

محافظه کاری حسابداری، راهبردهای تجاری آینده‌نگر و تدافعی و عدم اطمینان محیطی با تاکید بر مدل به موقع بودن نامتقارن

صدیقه عزیزی

استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بافت، بافت، ایران. نویسنده مسئول
sa_azizi@iaubaft.ac.ir

سهیلا عسکری حسن آبادی

استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد داراب، داراب، ایران.
soheila.askari87@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸

چکیده

تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری نشان می‌دهد که قوانین تصمیم‌گیری که در شرایط عدم اطمینان محیطی به خوبی عمل می‌کنند به نتایج منفی بیش از نتایج مثبت وزن می‌دهند. به بیانی دیگر، این قوانین یک رویکرد محافظه‌کارانه را نشان می‌دهند و تمایل دارند که ریسک‌های احتمالی را جدی بگیرند. محافظه‌کاری حسابداری باعث می‌شود اخبار بد که در شرایط قوانین تصمیم‌گیری محتاطانه اهمیت بیشتری دارند، به‌موقع‌تر منعکس شوند و این امر به مدیران شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران کمک می‌کند تا قوانین تصمیم‌گیری محتاطانه را بهتر پیاده‌سازی کنند. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، بررسی محافظه‌کاری حسابداری، راهبردهای تجاری آینده‌نگر و تدافعی و عدم اطمینان محیطی با تاکید بر مدل به موقع بودن نامتقارن است. بدین منظور، نمونه‌ای متشکل از ۱۶۱۰ سال-شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۴۰۱ با استفاده از خوشه‌بندی خطای استاندارد بررسی شده است. به منظور الگوسازی برای عدم اطمینان محیطی در سطح شرکت از دو معیار مختلف استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد شرکت‌های آینده‌نگر که با سطوح بیشتری از عدم اطمینان محیطی روبرو هستند، سطوح بیشتری از محافظه‌کاری حسابداری را نسبت به شرکت‌های تدافعی دارند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد شرکت‌های راکد که با سطوح بیشتری از عدم اطمینان محیطی مواجه می‌شوند، در مقایسه با شرکت‌های هوشیار، سطوح بالاتری از محافظه‌کاری حسابداری را دارند.

واژه‌های کلیدی: محافظه‌کاری حسابداری، راهبردهای تجاری، عدم اطمینان محیطی.

۱- مقدمه

تصمیم‌گیری محتاطانه کمک می‌کند؛ ابهام، منطق ساده و در عین حال قانع‌کننده‌ای را برای محافظه‌کاری حسابداری فراهم می‌سازد (هسیه و همکاران، ۲۰۱۸).

از آنجایی که اجرای قوانین تصمیم‌گیری محافظه‌کارانه نیاز به زمان دارد، برای آزمون پیش‌بینی‌های تجربی به معیاری از عدم‌اطمینان که شرکت در میان‌مدت تا بلندمدت با آن روبرو می‌شود، نیاز است؛ زیرا برخلاف معیارهای ارائه شده مانند ویلیامز^۴ (۲۰۱۵) که تغییرات در عدم‌اطمینان را در طول دوره‌های کوتاه (دو روزه) مطالعه می‌کنند، در این پژوهش نیاز به معیاری از سطوح غالب عدم‌اطمینان است. اولین معیار عدم‌اطمینان در این پژوهش از طریق انتخاب راهبردهای تجاری شناسایی می‌شود، در حالی که معیار دوم بر اساس پویای محیطی شناسایی می‌شود که ابزاری برای کاهش عدم‌اطمینان مستند شده در ادبیات حسابداری است.

در این پژوهش از معیارهای تجربی دو جانبه راهبردهای تجاری توسعه یافته در پژوهش‌های حسابداری (مانند بنتلی^۵، عمر و شارپ^۶، ۲۰۱۳؛ ایتنر و همکاران^۷، ۱۹۹۷) استفاده می‌شود که شرکت را به دو گروه آینده‌نگر (اکتشافی) یا تدافعی شناسایی می‌کنند. پژوهشگران این حوزه (مانند مارچ^۸، ۱۹۹۱؛ میلز و اسنو^۹، ۲۰۰۳؛ میلر و فریسون^{۱۰}، ۱۹۸۲) نشان داده‌اند که شرکت‌ها از راهبرد مدیریت متمایزی استفاده می‌کنند که شامل سطوح مختلف عدم قطعیت است. آینده‌نگرها به عنوان شرکت‌هایی تعریف می‌شوند که به گونه‌ای فعال در جستجوی فرصت‌های جدید کسب و کار با سرمایه‌گذاری سنگین در فعالیت‌های تحقیق و توسعه و تمرکز بر روی نوآوری هستند. مدافعان به عنوان شرکت‌هایی تعریف می‌شوند که بر روی آماده‌سازی کارآمد محصولات و خدمات موجود و توسعه تخصص در حوزه‌ای باریک تمرکز دارند. از آنجایی که شرکت‌های اکتشافی یا آینده‌نگر به گونه‌ای فعال آینده خود را می‌سازند، در مقایسه با شرکت‌های مدافع، با سطح بیشتری از ابهام مواجه هستند.

به منظور اطمینان بیشتر مبنی بر این که نتایج تجربی پژوهش به جای برخی ویژگی‌های راهبرد تجاری آینده‌نگر به عدم‌اطمینان نسبت داده می‌شوند، مجموعه‌ای اضافی از آزمون‌ها با استفاده از رویکردی کاملاً متفاوت انجام می‌شود. بدین منظور

پژوهش در مورد مطلوبیت محافظه‌کاری حسابداری توسط بسیاری از پژوهشگران به عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی گزارشگری مالی در نظر گرفته می‌شود، اما تنظیم‌کنندگان استانداردهای حسابداری با آن مخالفت می‌کنند. به عنوان مثال، بیانیه مفاهیم حسابداری مالی^۱ شماره ۲ بیان می‌کند که محافظه‌کاری مدت‌ها است که با این ایده شناخته شده است که کتمان عمدی حقیقت، فضیلت است (هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۲، ۲۰۰۹). این نظریه عمیقاً ریشه‌دار است و علی‌رغم تلاش‌های انجام شده در طی ۴۰ سال گذشته برای تغییر آن، هنوز ثابت است.

مخالفت استانداردها سازان با محافظه‌کاری در سال ۲۰۱۰، منجر به تصمیماتی توسط هیئت استانداردهای حسابداری مالی و هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۳ برای حذف آن از چارچوب‌های مفهومی آنها شد. هیئت استانداردهای حسابداری مالی در این خصوص نظر زیر را بیان کرده است. اطلاعات مالی باید بی‌طرفانه باشند؛ به بیانی دیگر، اطلاعات مالی باید عاری از هرگونه سوگیری اثرگذار بر روی یک تصمیم یا پیامد آن باشد. برای این منظور، چارچوب مفهومی نباید محافظه‌کاری یا احتیاط را در میان ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری قرار دهد؛ اما چارچوب مفهومی باید نیاز مستمر به دقت در مواجهه با عدم‌اطمینان را مورد توجه داشته باشد (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۰۵). بحث در مورد «دقت در مواجهه با عدم‌اطمینان» نیاز به شفاف‌سازی دارد؛ زیرا تحقیقات رو به رشد در زمینه اقتصاد و مالی، بین ریسک که در آن، احتمالات رویدادهای مربوطه را می‌توان به سادگی محاسبه کرد و عدم‌اطمینان غیراحتمالی که در آن، چنین احتمالاتی نامعلوم هستند، تمایز ایجاد می‌کنند.

چندین دلیل اصلی برای این موضوع وجود دارد که چرا تفاوت بین ریسک و عدم‌اطمینان دارای پیامدهای مهمی برای حسابداری است. قوانین تصمیم‌گیری که کاملاً تحت شرایط عدم‌اطمینان اجرا می‌شوند به طور قابل توجهی متفاوت از قوانین تحت ریسک هستند؛ گروه بزرگی از قوانین تصمیم‌گیری که کاملاً تحت شرایط عدم‌اطمینان اجرا می‌شوند محافظه‌کاری را به معنای تعریف شده در بالا نشان می‌دهند؛ محافظه‌کاری حسابداری، تشخیص اخبار بد را نسبت اخبار خوب تسریع می‌کند و بنابراین به تصمیم‌گیرندگان در اجرای قوانین

⁶ Sharp

⁷ Ittner, Larcker, & Rajan

⁸ March

⁹ Miles

¹⁰ Miller & Friesen

¹ Statement of Financial Accounting Standards

² Financial Accounting Standards Board

³ International Accounting Standards Board

⁴ Williams

⁵ Bentley

با تکیه بر ادبیات پویا محیطی (النکاو^۱، ۱۹۹۷) و بینش پیرامونی (دی و شامیکر^۲، ۲۰۰۴) معیاری تجربی برای شناسایی شرکت‌هایی که به طور مداوم درگیر پویا محیطی هستند ساخته می‌شود. چنین شرکت‌هایی احتمال بیشتری دارد که تهدیدات غیرمنتظره را در صورت ظهور تشخیص دهند و در نتیجه زمان بیشتری برای بررسی منابع و پیامدهای احتمالی آنها داشته باشند. هنگامی که تهدیدهای ظاهر شده به طور معقولی درک می‌شوند، شرکت با ریسک مواجه می‌شود؛ در نتیجه سطح عدم‌اطمینان در محیط آن در هر دوره معین کاهش می‌یابد. با پیروی از پژوهش هرشمن^۳ (۱۹۶۹) این شرکت‌ها به عنوان شرکت‌های هوشیار (محتاط)^۴ در نظر گرفته می‌شوند. پژوهش‌های تجربی در این زمینه (مانند بیکر^۵ و همکاران، ۲۰۱۶؛ بلوم^۶، ۲۰۰۹، بلوم و همکاران، ۲۰۰۷؛ جولیبو و یوک^۷، ۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند که هنگام مواجهه با تحولات غیرمنتظره، شرکت‌ها سرمایه‌گذاری و استخدام خود به تأخیر می‌اندازند. چنین تأخیرهایی منجر به کاهش غیرعادی در تعداد کارمندان، سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌های محافظه‌کاری می‌شود؛ لذا شرکتی که به طور همزمان سه کاهش غیرعادی را تجربه می‌کند، احتمالاً یک شرکت هوشیار است که به منبع عدم‌اطمینان اخیراً کشف شده پاسخ می‌دهد. برای توضیح این سطح هوشیاری فرض می‌شود که سبک تصمیم‌گیری شرکت از مشخصه‌های دائمی آن است (ویک^۸، ۱۹۷۹) و اگر شرکتی در هر نقطه زمانی به طور همزمان سه کاهش غیرعادی را داشته باشد، به عنوان شرکت هوشیار شناسایی می‌شود^۹. همچنین فرض می‌شود شرکت‌هایی که به طور مداوم محیط خود را غربال نمی‌کنند، به عنوان شرکت راکد^{۱۰} (ساکن) شناسایی می‌شوند؛ بنابراین در مقایسه با شرکت‌های هوشیار با سطوح بالاتر عدم‌اطمینان مواجه می‌شوند.

در مجموع، محافظه‌کاری حسابداری به‌عنوان یک عنصر تعیین‌کننده در تعادل استراتژی‌های شرکت‌ها ظهور می‌کند. محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی، با دو قلمرو تأثیر متفاوت، می‌توانند بر انتخاب و کاربست این استراتژی‌ها تأثیر گذار باشند. محافظه‌کاری شرطی، با واکنش سریع به اطلاعات منفی و تأخیر در شناسایی سودها، ممکن است شرکت‌ها را به سوی جلوگیری از ریسک‌های مربوط به نوآوری و تمایز سوق دهد، چرا که این

در همین زمینه، اگر چه در ایران پژوهش‌های متعددی در زمینه محافظه‌کاری و راهبردهای تجاری انجام شده است (مانند تنانی و محب خواه، ۱۳۹۳، بهرادفر، ۱۳۹۴؛ منصوری محمدآبادی و رضایی، ۱۳۹۹)؛ اما نکته قابل ذکر در اینجا، این است که در هیچ یک از پژوهش‌های پیشین تأثیر محافظه‌کاری غیرشرطی بر راهبردهای تجاری آینده‌نگر و تدافعی و عدم‌اطمینان محیطی بررسی نشده است؛ لذا در این پژوهش تلاش شده است تا به بررسی محافظه‌کاری غیرشرطی، راهبردهای تجاری آینده‌نگر و تدافعی و عدم‌اطمینان محیطی با تأکید بر مدل به موقع بودن نامتقارن پرداخته شود و به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود. آیا شرکت‌های آینده‌نگر که با سطوح بیشتری از عدم‌اطمینان محیطی روبرو هستند، سطوح بیشتری از محافظه‌کاری حسابداری را نسبت به شرکت‌های تدافعی نشان می‌دهند؟ آیا شرکت‌های راکد که با سطوح بیشتری از عدم‌اطمینان محیطی مواجه می‌شوند، در مقایسه با شرکت‌های هوشیار، سطوح بالاتری از محافظه‌کاری حسابداری را نشان می‌دهند؟

۲- مبانی نظری پژوهش و توسعه فرضیه‌ها

محافظه‌کاری غیرشرطی

محافظه‌کاری از ویژگی‌های بارز گزارشگری مالی است که از مدت‌ها پیش با تئوری و عمل حسابداری در آمیخته است. از دیدگاه واتس (۲۰۰۳) محافظه‌کاری دست کم از ابتدای قرن

در تعادل استراتژی‌های شرکت‌ها ظهور می‌کند. محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی، با دو قلمرو تأثیر متفاوت، می‌توانند بر انتخاب و کاربست این استراتژی‌ها تأثیر گذار باشند. محافظه‌کاری شرطی، با واکنش سریع به اطلاعات منفی و تأخیر در شناسایی سودها، ممکن است شرکت‌ها را به سوی جلوگیری از ریسک‌های مربوط به نوآوری و تمایز سوق دهد، چرا که این

^۱ این فرض قابل توجیه است؛ زیرا تصمیمات پر ریسک شرکت معولاً توسط گروهی از مدیران اجرایی گرفته می‌شود و به همین دلیل، تأثیر سبک یک مدیر اجرایی بر تصمیمات شرکت نسبتاً کم است (چانگ، داسگوپاتا و گان، ۲۰۱۳؛ فی، هدلاک و پیرس، ۲۰۱۳).

^{۱۰} Inert

^{۱۱} Basu

^{۱۲} Givoly & Hayn

^۱ Elenkov

^۲ Day & Schoemaker

^۳ Hirschman

^۴ alert

^۵ Baker

^۶ Bloom

^۷ Julio & Yook

^۸ Weick

نظریه‌های عدم اطمینان و محافظه‌کاری

تئوری‌های اقتصادی بین ریسک، یعنی نوع تصادفی که در آن احتمالات دقیق همه پیامدها در آغاز مساله مشخص هستند، و عدم اطمینان (عدم قطعیت غیر احتمالی) که در آن چنین احتمالاتی نامشخص هستند، تمایز قائل می‌شود (هینسالو^۴، ۲۰۱۲). اگرچه تفاوت بین این دو تقریباً یک قرن پیش توسط کناپت^۶ (۱۹۲۱) برای درک شرکت تجاری حیاتی شناخته شد؛ اما چارچوب مفهومی توضیح دهنده آن تقریباً به تازگی ارائه شده است. تفاوت اصلی در این است که ریسک و ابهام، نیازمند رویکردهای کاملاً متفاوتی برای تصمیم‌گیری هستند. در محیط‌های دارای ریسک، اطلاعات کافی برای بهینه‌سازی خروجی مورد انتظار (به عنوان مثال، به حداکثر رساندن مطلوبیت مورد انتظار یا ارزش سهامداران) با هدف یافتن بهترین تصمیم وجود دارد. با این حال، در محیط‌های با عدم اطمینان، بهینه‌سازی خروجی در برابر خطا آسیب‌پذیر است؛ زیرا اطلاعات در دسترس تصمیم‌گیرنده به احتمال زیاد ناقص یا غلط هستند. هنگامی که یک خطا می‌تواند منجر به شکستی فاجعه‌بار (مانند ورشکستگی) شود، به تصمیم‌گیرندگان توصیه می‌شود که هدف یافتن بهترین تصمیم را کنار گذاشته و در عوض به دنبال تصمیمات قوی باشند که سطح قابل قبولی از خروجی را در بزرگترین مجموعه از احتمالات پیش‌بینی نشده تضمین کنند (حسیه و همکاران، ۲۰۱۸).

در این پژوهش، تمرکز اصلی بر روی مجموعه قوانین تصمیم‌گیری قوی است که محافظه‌کاری را به معنای قرار دادن وزن بیشتر بر روی پیامدهای بد نسبت به پیامدهای خوب نشان می‌دهند. قاعده تصمیم‌گیری حداکثر-حداقل^۷ والد^۸ (۱۹۹۴) به عنوان یک نمونه اولیه از یک قانون تصمیم‌گیری محتاطانه است که می‌تواند حتی زمانی که هیچ اطلاعاتی در مورد احتمالات نتایج در دسترس نیست، اجرا شود. در اجرای این قاعده تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیرنده بدترین پیامد برای هر گزینه را در نظر می‌گیرد و سپس گزینه‌ای را انتخاب می‌کند که بدترین پیامد آن حداقل به اندازه بدترین پیامد همه گزینه‌های دیگر، خوب است. به بیانی دیگر، تصمیم‌گیرنده، بدترین حالت را فرض می‌کند. یعنی، حداکثر محافظه‌کاری را به کار می‌گیرد که به او در اجتناب از شکست فاجعه بار کمک می‌کند. محافظه‌کاری همچنین ارزش «یادگیری از راه عمل»^۹ را افزایش می‌دهد جایی

بسیستم تاکنون، یک ویژگی برجسته و غالب در عرصه حسابداری و گزارشگری مالی بوده است. محافظه‌کاری را به دو دسته محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی تقسیم نموده‌اند (فروغی و نخبه فلاح، ۱۳۹۳).

محافظه‌کاری شرطی یک فرایند حسابداری است که به دنبال شناسایی اخبار بد یا زیان‌های اقتصادی به عنوان هزینه یا زیان حسابداری در یک رفتار به موقع است. در حالی که محافظه‌کاری غیرشرطی بر کمتر نشان دادن سود خارج از پیامدهای اقتصادی رویدادهای مالی متمرکز است. به عنوان مثال شناسایی بلادرنگ کاهش ارزش دارایی‌ها از نوع شرطی و استفاده از روش‌های گردش موجودی با قصد بیشتر نشان دادن بهای تمام شده از نوع غیرشرطی است (بیور و رایان^۱، ۲۰۰۵؛ واندر^۲، ۲۰۰۷).

قابل تصور است که در بکارگیری محافظه‌کاری شرطی امکان بروز انعطاف‌پذیری توسط استانداردهای حسابداری محدود گردد؛ بنابراین مدیران کمتر می‌توانند از این طریق سیاست‌های سرمایه‌گذاری خود را مدیریت و حساب آرایبی کنند، اما با اعمال محافظه‌کاری غیرشرطی انعطاف آن‌ها بیشتر می‌شود؛ زیرا به عنوان مثال روش استهلاک را خود مدیر تعیین می‌کند. بنابراین، انتظار بر این است در شرکت‌های با محافظه‌کاری شرطی بالاتر، تمایل به سرمایه‌گذاری‌های نوآورانه کمتر باشد؛ زیرا شناسایی به هنگام تر هزینه‌ها و زیان‌های اولیه پروژه‌ها نسبت به درآمدهای آتی در صورت بروز شکست‌های اولیه در پروژه‌ها، موقعیت مدیران را به خطر می‌اندازد (اشیدا و ایتو^۳، ۲۰۱۴).

زمانی که محافظه‌کاری شرطی و محافظه‌کاری غیرشرطی با هم مواجه می‌شوند، محافظه‌کاری غیرشرطی نه تنها موجب حسابداری ضعیف می‌شود، بلکه اثر محافظه‌کاری شرطی را از بین می‌برد؛ بنابراین، وقتی رویه‌های سطح محافظه‌کاری غیرشرطی به عنوان یک اقدام احتیاطی افزایش می‌یابد، هزینه‌های / زیان‌های ناشی از عدم اطمینان در آینده برای یک پروژه ثبت می‌شود و خطر ریسک سود ناشی از تصویب محافظه‌کاری مشروط محدود می‌شود (حقیقت شهرستانی و همکاران، ۱۴۰۱).

دقیق نامعلوم هستند؛ اما حداقل برخی اطلاعات (دست دوم) درباره آنها برای تصمیم‌گیرنده قابل دسترس هستند.

⁶ Knight

⁷ maximin criterion

⁸ Wald

⁹ learning-by-doing

¹ Beaver & Stephen

² Vander

³ Ishida & Ito

⁴ Heinsalu,

^۵ پژوهش‌ها از طیف وسیعی از اصطلاحات شامل عدم اطمینان رادیکال، عمیق، اساسی، درست، و ناپتینگ برای مشخص کردن مفهومی یکسان استفاده می‌کنند. اصطلاح «عدم اطمینان» معمولاً به کلاسی از مسائل اشاره دارد که در آنها احتمالات

مقابل بهره‌برداری را به عنوان تمایز کلیدی شناسایی می‌کند و میلز و اسنو (۲۰۰۳) که نقاط پایانی زنجیره راهبرد را به عنوان راه به‌عنوان آینده‌نگر و تدافعی در نظر می‌گیرند، همگی در دوگانگی بالا به عنوان ویژگی زیربنایی مشترک هستند؛ اما بنتلی و همکاران (۲۰۱۳) معیاری از راهبرد تجاری را تنها بر اساس اطلاعات قابل مشاهده عمومی پیشنهاد می‌کنند. معیار آنها بر اساس پژوهش‌ها پیشین (مانند ایتنر و همکاران، ۱۹۹۹؛ سیمونز^۴، ۱۹۸۷) در حوزه حسابداری است. فضای استراتژی که بنتلی و همکاران (۲۰۱۳) در نظر می‌گیرند متشکل از آینده‌نگرها (رهبران نوآور بازار که به طور فعالیتهای تحقیق و توسعه را پیگیری می‌کنند و به سرعت به فرصتهای جدید در بازار تولید واکنش نشان می‌دهند) و مدافعان (که تمایل به حفظ تمرکز باریک و پایدار روی محصولات اصلی موجود دارند) است.

راهبردهای تجاری به طور قابل توجهی در طول زمان پایدار هستند (بنتلی و همکاران، ۲۰۱۳). یکی از دلایل چنین ثباتی این است که دستیابی به هماهنگی دقیق همه فعالیت‌های مورد نیاز برای ایجاد تغییر در راهبردهای تجاری در جهت کارآمد ساختن آن، مشکل است (برینجولفسون و میلگرام^۵، ۲۰۱۳).

از آنجایی که آینده‌نگرها، به طور فعال آینده را خلق می‌کنند، هیچ مبنای قابل اطمینانی برای ارزیابی احتمالات پیامدهای ممکن وجود ندارد. علاوه‌براین، خود پیامدها نیز تا حد زیادی نامشخص هستند (کرزرنر^۶، ۱۹۹۷). همیشه این احتمال وجود دارد کشف فرصتهای جدید توسط آینده‌نگرها، فرصتهای موجود برای مدافعان را از بین ببرد. با این وجود، هنگامی که این اتفاق بیفتد، مدافعان باید به تهدیدهای شناخته شده پاسخ دهند؛ این کار شامل عدم‌اطمینان کمتری در مقایسه با کاوش قلمرویی ناشناخته است. در نتیجه، آینده‌نگرها در مقایسه با مدافعان با سطوح عدم‌اطمینان بیشتری مواجه می‌شوند. بدین ترتیب، فرضیه اول پژوهش به صورت زیر تدوین شده است.

فرضیه اول: شرکت‌های آینده‌نگر که با سطوح بیشتری از عدم‌اطمینان محیطی روبرو هستند، سطوح بیشتری از محافظه‌کاری حسابداری را نسبت به شرکت‌های تدافعی نشان می‌دهند.

که نتایج ناامیدکننده به دست آمده در هر مرحله میانی می‌تواند برای بهبود کیفیت تصمیمات بعدی مورد استفاده قرار گیرد. این بدین دلیل است که وقتی اطلاعات مربوط به عقب‌نشینی‌های موقت سریع‌تر در دسترس قرار می‌گیرد، تصمیم‌گیرندگان زمان بیشتری برای حل مشکلات جدید دارند که در ابتدا پیش‌بینی نکرده بودند (مارتزوکوس^۱، ۲۰۱۳؛ تریگریس^۲، ۲۰۰۷؛ لوینتال^۳، ۱۹۹۷). بنابراین، محافظه‌کاری، کیفیت تصمیم‌گیری را بهبود می‌بخشد و در نتیجه، احتمال بقا و موفقیت را افزایش می‌دهد. بحث بالا، تمایز اصلی بین چارچوب مفهومی برای مطالعه تصمیمات تحت عدم‌اطمینان و چارچوب استاندارد برای مطالعه تصمیمات تحت ریسک را مشخص می‌کند. تحت چارچوب مفهومی، محافظه‌کاری ویژگی مطلوبی است. تحت چارچوب استاندارد، تصمیم‌گیرندگان محتاط، ریسک‌گریز هستند. در بازاری رقابتی با ریسک محض، عوامل ریسک‌گریز به طور پیوسته توسط عوامل ریسک‌پذیرتر که نیاز به حق‌العمل کمتری برای سطح یکسانی از ریسک دارند، رو دست خواهند خورد. بنابراین، عوامل ریسک‌گریز، در طول زمان بیشتر خواهند شد و بازار مملوء از عوامل ریسک-خنثی، از قبیل شرکت‌های بیمه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، خواهد شد. به بیانی دیگر، در محیط‌های با ریسک محض، محافظه‌کاری، ناهنجار و بنابراین نامطلوب است. از آنجایی که احتیاط، مدت‌ها است که مزیت بوده است؛ لذا چارچوب تحلیلی با عدم‌اطمینان، در مقایسه با چارچوب استاندارد با ریسک که شالوده تحقیقات حسابداری معاصر را شکل می‌دهد، برای مطالعه تصمیمات در محیط‌های عدم‌اطمینان، مناسب‌تر خواهد بود.

راهبردهای تجاری و عدم‌اطمینان محیطی

پژوهش‌ها در حوزه حسابداری مدت‌ها است که بیان می‌کنند که شرکت‌ها راهبردهای تجاری بسیار متفاوتی را دنبال می‌کنند. اگرچه طبقه‌بندی‌های ارائه شده از لحاظ تمرکز متفاوت هستند و برخی مواقع، شامل بیش از دو نوع راهبرد تجاری می‌باشند، ساختار اصلی را بهتر است در قالب یک دوگانگی تصور کرد که یک طرف آن راهبرد تهاجمی و فعال برای جستجو و تعقیب فرصتهای جدید و دیگر طرف آن راهبرد واکنشی با هدف استفاده بهینه از نقاط قوت و فرصتهای موجود است.

طبقه‌بندی‌های پیشنهاد شده توسط میلر و فریسن (۱۹۸۲) که بین شرکت‌های کارآفرین و آنچه که وی آنها را محافظه‌کار می‌نامد، تمایز ایجاد می‌کنند و مارچ (۱۹۹۱) که اکتشاف در

⁴ Simons

⁵ Brynjolfsson & Milgrom

⁶ Kirzner

¹ Martzoukos

² Trigeorgis

³ Levinthal

جستجو و هوشیاری محیطی

گروهی از پژوهش‌ها از در حوزه حسابداری (مانند داوئی و همکاران^۱، ۱۹۷۵؛ لورنزی و همکاران^۲، ۱۹۸۱) مربوط به ادراکات مدیریتی از عدم اطمینان محیطی است. این پژوهش‌ها (مانند بورگس^۳، ۱۹۸۵؛ میلر، ۱۹۹۳؛ دافت و همکاران^۴، ۱۹۸۸؛ هامبریک^۵، ۱۹۸۲) بیان می‌کنند مدیرانی که در یک محیط مشابه فعالیت هستند، در درک و ادراک خود از عدم اطمینان و در در میزان تلاش و هوشیاری خود برای شناسایی مشکلات و موقعیت‌های نوظهور به شکل چشمگیری با هم متفاوت هستند. به بیانی دیگر، مدیران واکنش‌ها و تفرکات متفاوتی دارند؛ حتی اگر در محیطی مشابه باشند و این تفاوت در درک از متغیر بودن شرایط محیط و چگونگی جستجو و تحقیق برای پیش‌بینی و حل مشکلات احتمالی صورت می‌گیرد. فعالیت‌های جستجو (اسکن) معمولاً پرهزینه هستند و در محیط‌های ناپایدار، هزینه‌های جستجو می‌توانند قابل توجه باشند (بوید و فالک^۶، ۱۹۹۶؛ فردریکسون و میشل^۷، ۱۹۸۴).

در همین راستا شرکت‌هایی که به طور پیوسته محیط خود را اسکن نمی‌کنند به عنوان «راکد»^۸ تعریف می‌شوند. به بیانی دیگر، شرکت‌های راکد به تغییرات و نشانه‌های احتمالی مشکلات در محیط پیرامون خود کمتر توجه دارند و به ندرت به شکل فعالانه به دنبال تحقیق در مورد عوامل بیرونی که ممکن است بر عملکرد آن‌ها تأثیر بگذارد، هستند (واتس، ۲۰۰۳). در مقابل، شرکت‌هایی که به طور پیوسته محیط خود را نظارت می‌کنند به عنوان شرکت‌های «هوشیار» تعریف می‌شوند. شرکت‌هایی که به طور مداوم محیط پیرامونی خود را رصد می‌کنند، در برابر تغییرات محیطی هوشیار هستند. این شرکت‌ها مستعد هستند که نشانه‌های اولیه‌ی مشکلات را به محض بروز کشف کنند که این امر به آنها زمان بیشتری برای تحقیق در مورد منابع و احتمالات پیامدهای مشکلات پدید آمده می‌دهد. این کار به آنها اجازه می‌دهد که عدم اطمینان موجود را به ریسک‌های محاسبه‌شده‌تر تبدیل کنند، به این معنی که آنها می‌توانند مشکلات احتمالی را پیش از تبدیل شدن به بحران‌های جدی شناسایی و برطرف کنند (برینجولفسون و میلگرام، ۲۰۱۳). در حقیقت شرکت‌های هوشیار با احتمال بیشتری اولین علائم مشکلات را به محض ظهور تشخیص می‌دهند و بنابراین زمان بیشتری برای بررسی منابع و پیامدهای احتمالی مشکلات زیربنایی و تبدیل عدم اطمینان به ریسک دارند. به همین دلیل

در هر دوره‌ای، شرکت‌های هوشیار در مقایسه با شرکت‌های راکد با سطوح پایین‌تری از عدم اطمینان مواجه می‌شوند (حسیه و همکاران، ۲۰۱۸).

در همین راستا، پژوهش‌های پیشین (مانند ورکیا، ۲۰۱۶؛ فیلد و همکاران^۹، ۲۰۱۹) بیان می‌کنند شرکت‌های راکد به دلیل کمبود اطلاعاتی و پاسخگویی کمتر در قبال تغییرات محیطی، ممکن است برای جبران این کمبودها و کاهش آثار مرتبط با این عدم اطمینان‌ها از رویکردهای حسابداری محافظه‌کارانه‌تری بهره ببرند. علاوه بر این، تئوری سیگنال دهی پیشنهاد می‌کند که شرکت‌های راکد ممکن است از حسابداری محافظه‌کارانه به عنوان راهی برای ارائه سیگنال‌های مثبت به بازار و کاهش عدم اطمینانی که سرمایه‌گذاران ممکن است در مورد وضعیت مالی شرکت داشته باشند استفاده کنند. در واقع، می‌توان این‌گونه استدلال کرد که شرکت‌های راکد در پاسخ به عدم اطمینان‌های بیشتری که با آنها روبرو هستند، ممکن است بیشتر به حسابداری محافظه‌کارانه روی بیاورند تا مخاطرات مرتبط با عدم اطمینان‌های مالی را به حداقل برسانند و از منافع ذی‌نفعان خود محافظت کنند. بدین ترتیب، فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر تدوین شده است.

فرضیه دوم: شرکت‌های راکد که با سطوح بیشتری از عدم اطمینان محیطی مواجه می‌شوند، در مقایسه با شرکت‌های هوشیار، سطوح بالاتری از محافظه‌کاری حسابداری را نشان می‌دهند.

پیشینه پژوهش

گو و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی محافظه‌کاری مشروط و تامین مالی از طریق سهام در مقابل بدهی پرداختند. نتایج حاکی از این بود که وقتی شرکت‌ها تامین مالی خارجی را به مقدار قابل توجهی افزایش می‌دهند، استفاده از سهام (در مقابل بدهی) با سطح محافظه‌کاری افزایش می‌یابد. همچنین آنها پی‌بردند که کاهش هزینه‌های سهام مرتبط با محافظه‌کاری برای انتشاردهندگان سهام نسبت به انتشاردهندگان بدهی بیشتر است؛ اما زمانی که هزینه‌های بدهی را بررسی می‌کنیم چنین تفاوتی پیدا نمی‌شود. علاوه بر این، تاثیر مثبت محافظه‌کاری بر انتخاب انتشار سهام (در مقابل انتشار بدهی) زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سهامدارانش شدیدتر است، افزایش می‌یابد. به طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که محافظه‌کاری،

⁶ Boyd & Fulk

⁷ Frederickson & Mitchell

⁸ inert

⁹ Fields

¹ Downey

² Lorenzi

³ Bourgeois

⁴ Daft

⁵, Hambrick

همچنین، نقش نظارت خارجی قوی را بر این تأثیرات بررسی کرده‌اند و نشان دادند که اطمینان بیش از حد مدیریتی باعث کاهش محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی شده و نظارت خارجی قوی سبب کاهش تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری نمی‌گردد.

حقیقت شهرستانی و همکاران (۱۴۰۱) تأثیر محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی بر سطح سرمایه‌گذاری آتی و ارزش سهام را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند واحدهای تجاری که سطح بالایی از محافظه‌کاری شرطی را اعمال می‌کنند سطح پایین‌تری از سرمایه‌گذاری را انجام می‌دهند. همچنین واحدهای تجاری که سطح بالایی از محافظه‌کاری غیر شرطی را اعمال می‌کنند، سطح بالاتری از سرمایه‌گذاری دارند. دیگر یافته پژوهش حاکی از آن است که سطح محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی، تأثیر سرمایه‌گذاری شرکت بر روی ارزش سهام را تشدید می‌کند.

ملک‌پور و جبارزاده (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در راستای دستیابی به این هدف یک فرضیه اصلی تدوین گردیده و برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری از مدل خان و واتس که برگرفته از مدل باسو می‌باشد استفاده شده است. در این پژوهش تعداد ۱۲۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد محافظه‌کاری حسابداری بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد. معروفی (۱۳۹۸) روابط موجود در میان حسابداری محافظه‌کارانه و ریسک ورشکستگی را مورد بررسی قرار داد. در این پژوهش از طبقه‌بندی محافظه‌کاری مشروط و نامشروط و از مدل پیش‌بینی ورشکستگی زاوگین و آلتمن که طیفی از احتمال ورشکستگی را ارائه می‌دهند استفاده شده است. نتایج نشان داد بین محافظه‌کاری حسابداری و ریسک ورشکستگی طبق مدل آلتمن در بازار سرمایه ایران ارتباط معنادار معکوس وجود دارد. در نتیجه فرض خطی بودن رابطه بین محافظه‌کاری مشروط و نامشروط و ریسک ورشکستگی تایید می‌گردد.

مهربان‌پور و فرزانه (۱۳۹۵) رابطه محافظه‌کاری حسابداری و ریسک قیمت و بازده سهام را مورد مطالعه قرار دادند. آنها نتیجه گرفتند که اگر مدیران توانایی مخفی کردن اخبار بد را داشته باشند، این اخبار انباشته خواهند شد و افشای یکباره آن تأثیرات منفی بر شرکت خواهد داشت، محافظه‌کاری به عنوان میثاقی محتاطانه و مفید از این امر جلوگیری می‌کند. نتایج نشان می‌دهد برخلاف انتظار بین محافظه‌کاری شرطی و ریسک قیمت سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین محافظه‌کاری

عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سهامداران را نسبت به عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و صاحبان بدهی، بیشتر کاهش می‌دهد.

ژیوانگ جی و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بین ضعف کنترل داخلی و محافظه‌کاری حسابداری در چین پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که وجود ضعف کنترل داخلی بر محافظه‌کاری حسابداری در چین تأثیر منفی دارد. علاوه بر این نتایج نشان می‌دهد که ضعف‌های کنترل داخلی مرتبط با حسابداری و همچنین ضعف‌های کنترل داخلی غیرمرتبط با حسابداری بر محافظه‌کاری حسابداری تأثیر می‌گذارد. همچنین آنها معتقدند که بین محافظه‌کاری حسابداری و تقاضا برای تضمین بیشتر گزارشات کنترل داخلی رابطه مکملی وجود دارد و تضمین بیشتر گزارشات کنترل داخلی می‌تواند تأثیر منفی ضعف‌های کنترل داخلی بر محافظه‌کاری حسابداری را کاهش دهد.

نورالحق و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی رابطه استراتژی کسب‌وکار با کیفیت سود، با استفاده از گونه‌شناسی استراتژی مایلز و اسنو (۱۹۷۸) پرداختند و به این نتیجه رسیدند شرکت‌های با استراتژی تدافعی با سطوح بالایی از مدیریت سود و شرکت‌های با استراتژی آینده‌نگر با سطوح بالایی از محافظه‌کاری حسابداری مرتبط هستند. با این حال، این رابطه در طول دوره‌های مالی با رشد اقتصادی بالا و پایین تغییر می‌کند. در دوره‌های رشد اقتصادی بالا، شرکت‌های با استراتژی آینده‌نگر محافظه‌کاری حسابداری کمتر و شرکت‌های با استراتژی تدافعی مدیریت سود کمتری را نشان می‌دهند. در دوره رشد اقتصادی پایین، شرکت‌های با استراتژی آینده‌نگر گزارش محافظه‌کارانه‌تر می‌شوند؛ در حالی که شرکت‌های با استراتژی تدافعی در مدیریت سود تهاجمی‌تر عمل می‌کنند.

بالاکریشنان و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی اثر محافظه‌کاری حسابداری بر سرمایه‌گذاری در سطح بنگاه در طول بحران مالی جهانی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ پرداختند. آنها دریافتند پس از شروع بحران مالی شرکت‌های با محافظه‌کاری کمتر در گزارشگری مالی کاهش واضح‌تر در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در مقایسه با شرکت‌های با گزارشگری مالی محافظه‌کارانه‌تر داشتند. این رابطه در شرکت‌هایی با محدودیت مالی، مواجه نیازهای تامین مالی خارجی بیشتر و یا عدم تقارن اطلاعات بالاتر قوی‌تر و شدیدتر است. آنها همچنین دریافتند شرکت‌های محافظه‌کارتر کاهش کمتری را در افزایش بدهی و هم عملکرد سهام تجربه کردند.

احمد و دوئلن (۲۰۱۳) به بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی پرداختند و

فرضیه‌ها از تحلیل رگرسیون چند متغیره مبتنی بر سری‌های زمانی، داده‌های مقطعی و ترکیبی استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش حاضر شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که کلیه شرایط ذیل را دارا باشند. تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و سال مالی آن منتهی به پایان اسفندماه باشد؛ به دلیل ماهیت متفاوت جزء موسسه‌های مالی، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها نباشند؛ اطلاعات مالی مورد نیاز شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ در دسترس باشد؛ از اینرو پس از جمع‌آوری داده‌ها، تعداد ۱۱۵ شرکت از جامعه مورد نظر طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ باقی مانده‌اند. لازم به ذکر است که برای سنجش امتیاز راهبرد تجاری هر سال نیاز به میانگین غلتان^۱ پنج ساله داده‌ها است. جدول ۱ بیانگر چگونگی استخراج نمونه آماری پژوهش است.

غیرشرطی و ریسک قیمت سهام نیز رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بررسی محافظه‌کاری شرطی و ریسک بازده سهام حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی‌دار می‌باشد؛ اما بررسی محافظه‌کاری غیرشرطی و ریسک بازده سهام نشان‌دهنده وجود رابطه منفی و معنی‌دار است.

حیدریور و همکاران (۱۳۹۴) تأثیر محافظه‌کاری شرطی و محافظه‌کاری غیرشرطی بر ریسک‌پذیری مدیران را مورد مطالعه قرار دادند. بر اساس داده‌های ۱۵۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ نتایج نشان داد که ارتباطی معکوس و معناداری بین محافظه‌کاری حسابداری (شرطی و غیرشرطی) و ریسک‌پذیری مدیران برقرار است.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و بر مبنای روش از نوع همبستگی با رویکرد رگرسیونی است که در آن برای آزمون

جدول ۱. نحوه انتخاب نمونه

تعداد شرکت‌ها	مراحل انتخاب نمونه آماری
۷۴۰	شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران تا پایان سال ۱۴۰۱
(۳۶۰)	شرکت‌های پذیرفته شده در بازار پایه و فرابورس اوراق بهادار تهران در پایان سال ۱۰۴۱
(۱۰۸)	شرکت‌های فعال در زمینه سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ‌ها، بانک‌ها، بیمه‌ها و لیزینگ‌ها
(۶۱)	شرکت‌هایی که نماد آنها حذف شده یا توقف فعالیت داشته‌اند
(۱۶)	شرکت‌هایی که در طی بازه زمانی مدنظر تغییر سال مالی داده‌اند
(۴۹)	شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها منتهی اسفندماه نیست
۱۱۵	تعداد شرکت‌های انتخاب شده به عنوان نمونه آماری

منبع: یافته‌های پژوهش

توسط اترج و همکاران^۵ (۲۰۱۲) و بال و همکاران^۶ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که این مدل، محافظه‌کاری را در هر زمانی که وجود داشته باشد به تصویر می‌کشد. گروهی از مطالعات، مدل به موقع بودن نامتقارن را با ادغام متغیرهای اضافی اصلاح کرده‌اند؛ لذا در این پژوهش همسو با لافاند و رویچودھاری^۷ (۲۰۰۸) و رامالینگودا و یو^۸ (۲۰۱۲) از مدل (۱) به شرح زیر استفاده شده است.

مدل به موقع بودن نامتقارن

هدف از آزمون فرضیه اول مقایسه سطوح محافظه‌کاری حسابداری بین شرکت‌های آینده‌نگر و تدافعی در شرایط عدماطمینان محیطی است که برای این منظور از مدل به موقع بودن نامتقارن باسو (۱۹۹۷) به شرح مدل ۱ و یک مدل رگرسیونی به شرح مدل ۲ استفاده شده است.

معیار اولیه آزمون فرضیه اول ارائه شده در این پژوهش بر اساس مدل به موقع بودن نامتقارن باسو (۱۹۹۷) است. اگرچه مدل باسو در زمینه‌های مختلف مورد انتقاد قرار گرفته است (دیتریچ و همکاران^۱، ۲۰۰۷؛ گیوولی و همکاران^۲، ۲۰۰۷؛ پاتاتوکاس و توماس^۳، ۲۰۱۱)؛ اما اخیر شواهد تجربی ارائه شده

⁵ Ettredge

⁶ Ball

⁷ LaFond and Roychowdhury

⁸ Ramalingegowda and Yu

¹ Rolling average

² Dietrich

³ Givoly

⁴ Patatoukas & Thomas

یک نشان داده می‌شود. این تکنیک برای فراهم کردن یک شیوه مقایسه‌ای معنادار بین اعدادی که مقیاس‌های متفاوت دارند استفاده می‌شود. همچنین اثرات ثابت سال و صنعت در مدل لحاظ شده است.

برای تضمین این که نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش، پدیده مورد نظر را به درستی نشان دهد، از مدل رگرسیونی ۲ که براساس چهار معیار پیشنهادی محافظه‌کاری سنجش می‌شود به شرح زیر استفاده شده است.

$$CONSV = \beta_0 + \beta_1 STRATEGY + \beta_2 CONTROLS + \varepsilon_{i,t} \quad (2) \text{ مدل}$$

در مدل فوق *CONSV* یکی از معیارهای پیشنهادی محافظه‌کاری که در ادامه توضیح داده شده، *STRATEGY* معیار راهبرد تجاری خام (*SCORE*) یا متغیر ساختگی (*PROSPECTOR*) است که بر مبنای فرضیه اول انتظار می‌رود ضریب *STRATEGY* مثبت باشد، *CONTROLS* متغیرهای کنترلی است که شامل اندازه شرکت (*SIZE*)، اهرم مالی (*LEV*)، شاخص زیان (*LOSS*)، ریسک دعوی قضایی (*LIT*) و نوسانات نرخ بازده (*STDR*) است.^۳ معیارهای پیشنهادی محافظه‌کاری (*CONSV*) به شرح زیر هستند.

هدف از آزمون فرضیه دوم مقایسه سطوح محافظه‌کاری حسابداری بین شرکت‌های هوشیار و راکد در شرایط عدم‌اطمینان محیطی است که برای این منظور همسو با پژوهش‌های رامالینگودا و یو (۲۰۱۲) و لافاند و رویچودهای (۲۰۱۳) از مدل (۳) به شرح زیر استفاده شده است.

$$NI_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 NEG_t + \beta_2 ALERT_{t-1} + \sum_{i=3}^8 \beta_i CONTROLS_{t-1} + \beta_9 NEG_t \times ALERT_{t-1} + \sum_{i=10}^{15} \beta_i NEG_t \times CONTROLS_{t-1} + \beta_{16} RET_t + \beta_{17} RET_t \times ALERT_{t-1} + \sum_{i=18}^{23} \beta_i RET_t \times CONTROLS_{t-1} + \beta_{24} RET_t \times NEG_t + \beta_{25} RET_t \times NEG_t \times ALERT_{t-1} + \sum_{i=26}^{31} \beta_i RET_t \times NEG_t \times CONTROLS_{t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad (3) \text{ مدل}$$

^۳ متغیر نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار را شامل نمی‌شود؛ زیرا این نسبت همچنین به عنوان معیاری از محافظه‌کاری در تحقیقات مورد استفاده قرار می‌گیرد (احمد و دالمن (۲۰۰۷)).

$$NI_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 NEG_t + \beta_2 STRATEGY_{t-1} + \sum_{i=3}^8 \beta_i CONTROLS_{t-1} + \beta_9 NEG_t \times STRATEGY_{t-1} + \sum_{i=10}^{15} \beta_i NEG_t \times CONTROLS_{t-1} + \beta_{16} RET_t + \beta_{17} RET_t \times STRATEGY_{t-1} + \sum_{i=18}^{23} \beta_i RET_t \times CONTROLS_{t-1} + \beta_{24} RET_t \times NEG_t + \beta_{25} RET_t \times NEG_t \times STRATEGY_{t-1} + \sum_{i=26}^{31} \beta_i RET_t \times NEG_t \times CONTROLS_{t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad (1) \text{ مدل}$$

در مدل فوق *NI* درآمد خالص قبل از ارقام غیرعادی و عملیات متوقف شده است که توسط ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای سال تورمزدایی می‌شود؛ *RET* نرخ بازده دوازده ماهه سهام؛ *NEG* متغیر ساختگی است که برابر با یک است اگر *RET* منفی باشد و در غیر این صورت برابر با صفر است. ضریب β_{16} به موقع بودن سود را با توجه به اخبار خوب و ضریب β_{24} به موقع بودن نامتقارن را با توجه به اخبار بد می‌سنجد. ضریب متغیر تعاملی $RET \times NEG \times ALERT$ اثر راهبرد آینده‌نگر بر محافظه‌کاری حسابداری را اندازه‌گیری می‌کند؛ *STRATEGY* به عنوان امتیاز راهبرد تجاری و *CONTROLS* نشان دهنده متغیرهای کنترل مربوط به محافظه‌کاری است. متغیرهای کنترلی شامل نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (*MB*)؛ اندازه شرکت (*SIZE*)؛ نسبت اهرم مالی (*LEV*) و ریسک دعوی قضایی (*LIT*) است. همچنین چندین پژوهش (مانند لافاند و واتس^۱، خان و واتس^۲، ۲۰۰۸) نشان داده‌اند که محافظه‌کاری حسابداری تحت تأثیر ریسک (یعنی عدم اطمینان با احتمالات شناخته شده نتایج) است؛ لذا برای کنترل ریسک در محیط عملیاتی شرکت، متغیرهای سن شرکت (*AGE*) و نوسانات نرخ بازده (*STDR*) به عنوان متغیرهای کنترلی در پژوهش گنجانده شده است.

همسو با پژوهش لافاند و رویچودهای (۲۰۰۸) و رامالینگودا و یو (۲۰۱۲) کلیه متغیرها به جز *STRATEGY*، *NI*، *RET*، *NEG* و *LIT* به رتبه‌های دهکی از صفر تا یک تبدیل می‌شوند. بدین معنا که از متغیرهای مذکور به جز پنج مورد مستثنی شده، مابقی به گونه‌ای استاندارد، رتبه‌بندی شده‌اند، به طوری که مقادیر آنها در یک مقیاس دهکی قرار می‌گیرند. در این مقیاس، مقادیر پایین‌ترین دهک با صفر و بالاترین دهک با

^۱ LaFond & Watts
^۲ Watts

مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع تر هزینه، ارزیابی پائین دارایی و ارزیابی بالای بدهی می‌شود. در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری شاخص محافظه‌کاری غیرشرطی، از مدل گیولی و هاین^۲ (۲۰۰۰) استفاده شده است.

اولین معیار محافظه‌کاری غیرشرطی ($CONSV_UACC$) از طریق کل ارقام تعهدی همگن شده بوسیله میانگین مجموع دارایی‌ها و ضرب آن در ۱- محاسبه می‌شود. این نسبت در ۱- ضرب می‌شود؛ زیرا هر چه مقدار بالاتر باشد، سطح محافظه‌کاری بیشتر است. این معیار در طول پنجره چرخشی سال جاری و دو سال قبل محاسبه می‌شود. ارقام تعهدی کل به عنوان درآمد خالص قبل از ارقام غیرعادی منهای جریان‌های نقدی عملیاتی به اضافه هزینه استهلاک در نظر گرفته می‌شود. دومین شاخص محافظه‌کاری غیرشرطی ($CONSV_ACC$) براساس مدل (۴) محاسبه می‌شود.

$$\text{مدل (۴)} \quad \text{کاری محافظه غیر شرطی} \\ = \frac{\text{ارقام تعهدی عملیاتی}}{\text{جمع ها دارایی اول دوره}} \times (-1)$$

ارقام تعهدی عملیاتی از تفاوت سود خالص و جریان نقدی عملیاتی بعلاوه هزینه استهلاک به دست می‌آید. به عقیده گیولی و هاین (۲۰۰۰) رشد ارقام تعهدی می‌تواند شاخصی از تغییر در درجه محافظه‌کاری حسابداری در طول یک دوره بلندمدت باشد. به بیانی دیگر، اگر ارقام تعهدی افزایش یابد، در آن صورت محافظه‌کاری کاهش می‌یابد و بر عکس، از اینرو برای تعیین جهت تغییرات محافظه‌کاری ارقام تعهدی در عدد منفی یک ضرب می‌شود.

معیارهای سوم و چهارم محافظه‌کاری غیرشرطی همانند پژوهش باسو (۱۹۹۷) و ژانگ (۲۰۰۸) سنجش می‌شوند و محافظه‌کاری غیرشرطی را در سطح شرکت محاسبه می‌کنند. معیار سوم و چهارم بر اساس مدل (۵) اندازه‌گیری می‌شوند.

$$\text{مدل (۵)} \quad NI_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 NEG_{i,t} + \beta_2 RET_{i,t} \\ + \beta_3 RET_{i,t} \times NEG_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در مدل فوق $ALERT$ شرکت‌های هوشیار است. تمرکز اصلی بر روی ضریب متغیر تعاملی $RET \times NEG \times ALERT$ است که تاثیر هوشیاری بر محافظه‌کاری حسابداری را نشان می‌دهد؛ انتظار می‌رود ضریب این متغیر منفی باشد؛ زیرا شرکت‌های هوشیار با سطوح پایین‌تر عدم اطمینان محیطی مواجه می‌شوند. سایر متغیرها مشابه با مدل‌های قبلی است.

متغیرهای پژوهش

سنجش راهبردهای تجاری

راهبرد تجاری در این پژوهش همسو با پژوهش بنتلی و همکاران (۲۰۱۳) مشتمل بر دو راهبرد آینده‌نگر و تدافعی است.

برای سنجش امتیاز راهبردهای تجاری از معیاری ترکیبی استفاده شده است. این معیار که ترکیبی از شش متغیر است به عنوان میانگین در یک پنجره متحرک پنج ساله قبل اندازه‌گیری می‌شود و شامل نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه به فروش؛ نسبت تعداد کارکنان به فروش؛ درصد تغییر یک ساله در کل فروش؛ نسبت هزینه‌های فروش، عمومی و اداری به فروش؛ انحراف معیار تعداد کل کارکنان و نسبت خالص دارایی‌ها و تجهیزات به کل دارایی‌ها است.

این معیارها برای هر سال-شرکت محاسبه شده و در چارک‌هایی در هر سال و صنعت رتبه‌بندی می‌شوند. مشاهدات در بالاترین (پایین‌ترین) چارک، امتیاز پنج (یک) را دریافت می‌کنند. راهبرد تجاری شرکت ($STRATEGY$) به صورت مجموع شش معیار ($SCORE$) سنجیده می‌شود که دارای مقدار ماکسیمم ۳۰ و مقدار مینیمم ۶ است. امتیازات بالاتر نشان دهنده استراتژی مبتنی بر آینده‌نگر و امتیازات پایین‌تر نشان دهنده استراتژی مبتنی بر تدافعی هستند. علاوه‌براین، متغیر ساختگی ($PROSPECTOR$) برای سنجش راهبرد آینده‌نگر و تدافعی ایجاد می‌شود. برای محاسبه این متغیر اگر امتیاز بیشتر از ۱۸ باشد باشد استراتژی مبتنی بر آینده‌نگر است و عدد ۱ و در غیر این صورت استراتژی مبتنی بر تدافعی و عدد ۰ تعلق می‌گیرد. که مقدار آن برابر با یک است اگر امتیاز بیشتر از ۱۸ باشد و در غیر این صورت برابر با صفر است.^۱

معیارهای محافظه‌کاری

معیارهای اول و دوم محافظه‌کاری بر ارتباط بین محافظه‌کاری غیرشرطی و اندازه ارقام تعهدی انباشته شده در طول زمان تکیه می‌کند (گیولی و هاین، ۲۰۰۰). محافظه‌کاری غیرشرطی یک

^۱ بنتلی و همکاران (۲۰۱۳)، آیندنگران (مدافعان) را به عنوان افراد با امتیازات استراتژی بین ۲۴ و ۳۰ (۶ و ۱۲) تعریف می‌کنند، در حالی که افراد در وسط (امتیازات استراتژی بین ۱۳ و ۲۳)، «تحلیلگران» هستند که ویژگی‌های هر دو

^۲ Givoly & Hayn

برای شناسایی شرکت‌های هوشیار، این پژوهش به دنبال کاهش قابل توجه در تعداد کارکنان، میزان سرمایه‌گذاری و هزینه‌های اختیاری است. برای هر یک از این سه معیار، شاخصی از کاهش اساسی در یک سال معین ارائه می‌شود. بدین ترتیب که اگر این کاهش در میان بزرگترین یک-سوم صنعت باشد برابر با یک است و در غیر این صورت برابر با صفر است. هزینه‌های اختیاری به این دلیل در نظر گرفته شده است؛ زیرا این هزینه‌ها شامل بخش بزرگی از هزینه‌های سرمایه هستند (بانکر و همکاران^۲، ۲۰۱۱)

فرض کنید که یک توسعه غیرمنتظره در رابطه با هر شرکت در نمونه پژوهش، حداقل یک بار در طول دوره پژوهش (۱۴۰۱-۱۳۸۸) رخ داده است که مشخصه آن تغییر دائمی چشم انداز سیاسی و تکنولوژیکی است. شرکت‌هایی که به طور فعالانه‌ای اسکن محیطی را انجام می‌دهند به احتمال زیاد پس از شناسایی چنین تحول غیرمنتظره‌ای، سه کاهش ذکر شده در بالا را انجام خواهند داد.^۳ از آنجایی که این کاهش‌ها نشان دهنده انحرافات از سطوح نرمال است، اگر بدون هیچ دلیل موجهی انجام شود، باید منجر به کاهش سودآوری بلندمدت شرکت شود (بهوجراج و همکاران^۴، ۲۰۰۹؛ رویچودھاری^۵، ۲۰۰۶). انتظار می‌رود که اغلب مدیران، به طور آگاهانه و عمدی در فعالیتهایی که برای عملکرد بلندمدت شرکت زیان آور است شرکت نکنند. از اینرو، فرض می‌شود تصمیم‌گیرندگان شرکت، با حسن نیت عمل می‌کنند. این فرض به احتمال زیاد در اکثر مواقع، با حاکمیت شرکتی با کیفیت بالا، برقرار است. در نتیجه می‌توان برهان ترجیح آشکار را استناد کرد و ادراک تصمیم‌گیرندگان از تحولات غیرمنتظره را از اقدامات قابل مشاهده‌شان استنباط کرد (زیرا در غیر این صورت آنها عمداً ارزش شرکت را کاهش می‌دهند که با این فرض در تضاد است).

برای هر سال-شرکت، سه شاخص برای هر یک از کاهش‌های اساسی که در بالا توضیح داده شد محاسبه می‌شود. برای شناسایی نوع شرکت، یک متغیر مجازی *ALERT* تعریف می‌شود که برابر با یک است اگر شرکتی، هر سه کاهش اساسی را در یک سال داشته باشد (یعنی، هر سه شاخص کاهش غیر عادی برابر با ۱ هستند) و در غیر این صورت برابر با صفر است. به بیانی دیگر، هنگامی که مشخص شد شرکتی هر سه کاهش غیر عادی بالا را دارد، همه سال‌های شرکت را در نمونه پژوهش

در مدل فوق *NI* درآمد خالص قبل از اقلام غیرعادی و عملیات متوقف شده است که توسط ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای سال تورم‌زدایی می‌شود؛ *RET* نرخ بازده دوازده ماهه سهام؛ *NEG* متغیر ساختگی است که برابر با یک است اگر *RET* منفی باشد و در غیر این صورت برابر با صفر است. معیار سوم محافظه‌کاری غیرشرطی (*CONSV_COEFF*) از طریق سنجش ضرایب $\frac{\beta_2 + \beta_3}{\beta_2}$ در مدل (۵) محاسبه می‌شود. این معیار، حساسیت سود به بازده‌های منفی (اخبار بد) را در رابطه با حساسیت به بازده‌های مثبت (اخبار خوب) نشان می‌دهد.

معیار چهارم محافظه‌کاری غیرشرطی (*CONSV_R2*) که به عنوان توان توضیحی (R^2) اخبار بد به سود، تقسیم بر توان توضیحی اخبار خوب به سود ($R_{bad}^2 \div R_{good}^2$) تعریف می‌شود. R_{good}^2 بد و R_{bad}^2 خوب از طریق مدل رگرسیونی (۵) سنجیده می‌شوند که در آن R_{bad}^2 از رگرسیون اعمال شده فقط برای دوره بازده منفی و R_{good}^2 از رگرسیون اعمال شده فقط برای دوره بازده مثبت است. مقادیر بزرگتر *CONSV_COEFF* و *CONSV_R2* نشان دهنده سطوح بالاتر محافظه‌کاری است.

شناسایی شرکت‌های هوشیار

پژوهش‌های متعددی (به عنوان مثال در پیندیک^۱، ۱۹۹۱) نشان می‌دهند هنگامی که تصمیمات شرکتی (تا حدی) برگشت‌ناپذیر هستند، افزایش عدم اطمینان در پی یک تحول غیرمنتظره ارزش انتظار را افزایش می‌دهد تا زمانی که عدم اطمینان حداقل تا حدی حل شود. تعدادی از مطالعات تجربی (مانند بیکر و همکاران، ۲۰۱۶؛ بلوم، ۲۰۰۹؛ بلوم، باند و وان رینن، ۲۰۰۷؛ بونتمپی، گلینلی و پریگی، ۲۰۱۰؛ گایسو و پریگی، ۱۹۹۹؛ جولینو و یوک، ۲۰۱۲) از این پیش‌بینی نظری پشتیبانی می‌کنند که سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در پاسخ به افزایش عدم اطمینان کاهش می‌یابد. بلوم (۲۰۰۹) تحولات غیرمنتظره (مانند حملات ۱۱ سپتامبر) را برای استنباط افزایش عدم اطمینان در سطح کلان مورد مطالعه قرار داد و کاهش قابل توجهی در استخدام و سرمایه‌گذاری، به دنبال آن بازگشت بیش از حد را ثبت کرد. برای متمایز ساختن واکنش به عدم اطمینان ناشی از تغییرات برنامه‌ریزی شده در تولید، معیار تجربی پژوهش به گونه‌ای طراحی می‌شود که تنها کاهشی غیرعادی در فعالیت مربوطه را نشان دهد و این زمانی محتمل‌تر است که مدیران غافلگیر شوند.

می‌دهیم، تنها مواردی را در نظر می‌گیریم که شرکت، هر سه کاهش را به طور همزمان داشته باشد.

^۴ Bhojraj

^۵ Roychowdhury

^۱ Pindyck

^۲ Banker

^۳ در برخی موارد، داشتن یک یا دو مورد از این سه کاهش ممکن است برای واکنش به عدم قطعیت کافی باشد. برای کاهش این دغدغه که ما تغییرات برنامه‌ریزی شده در تولید را به جای واکنش به تحولات غیر منتظره نشان

قبل و بعد از سالی که کاهشها صورت گرفته به عنوان $ALERT = 1$ برچسب گذاری می‌شود. متغیر هوشیاری به عنوان متغیری در سطح شرکت تعریف می‌شود که در طول دوره پژوهش به سه دلیل زیر تغییر نمی‌کند. اول این است که اگرچه می‌توان سال (یا در موارد نادر، سال‌های) کاهش‌های غیرعادی ایجاد شده توسط شرکت‌های هوشیار را شناسایی کرد، اما هیچ چنین «سال-رویدادی» برای شرکت‌های راكد وجود ندارد. بنابراین، مقایسه سطوح محافظه‌کاری حسابداری در دو نوع شرکت در سال‌های پس از کاهش غیرعادی غیرممکن است. دوم، مطالعات تجربی (مانند هامبریک^۱، ۱۹۸۳) بیان می‌کنند که پویای محیطی یک ویژگی ثابت شرکت است. سوم، ادبیات حسابداری (مانند فوربز و میلیکن^۲، ۱۹۹۹؛ مارچ^۳، ۱۹۶۲) و حقوق تجارت (مانند بینبریج^۴، ۲۰۰۲) نشان می‌دهند که تصمیمات مهم شرکتی همیشه توسط گروه‌هایی از مدیران اجرایی اتخاذ می‌شود. بنابراین، میزان درجه اسکن محیطی، با توجه به ویژگی‌های تیم اجرایی که به عنوان یک کل در نظر گرفته شده تعیین می‌شود. مطالعات تجربی اخیر در زمینه مالی تایید می‌کنند که شرکت‌ها مدیران اجرایی با ویژگی‌های شخصی مطلوب را انتخاب می‌کنند (چانگ و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین، تاثیر سبک شخصی مدیرعامل بر روی تصمیمات شرکت نسبتاً کم است (فی و همکاران^۵، ۲۰۱۳).

متغیر کنترلی

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (MB) گزینه‌های رشد را منعکس می‌کند. فرصت‌های رشد شرکت یکی از متغیرهای مؤثر بر فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت است که می‌تواند بخش مهمی از سرمایه‌گذاری شرکت را توجیه کند (بیدل و هیلاری، ۲۰۰۶). این نسبت از تقسیم ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود. متغیر مجازی (NEG)، بازده سهام است که برابر با یک است اگر RET منفی باشد و در غیر این صورت برابر با صفر است. اندازه شرکت ($SAIZE$)، برای سنجش اندازه شرکت از معیارهای متفاوتی از قبیل ارزش بازار، فروش و مجموع دارایی‌های شرکت استفاده می‌شود. استفاده از ارزش بازار در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، به دلیل وجود شرایط تورمی اقتصاد ایران و نامربوط بودن اقلام دارایی‌ها بر اساس ارزش‌های تاریخی، دارای مزیت است. با این وجود، به دلیل وجود وقفه‌های معاملاتی طولانی مدت یا اندک بودن حجم

مبادلات انجام شده بر روی سهام بسیاری از شرکت‌های مورد بررسی، کاربرد معیار مذکور از قابلیت اتکای کافی برخوردار نمی‌باشد و در صورت انتخاب این معیار به عنوان شاخص اندازه شرکت، لازم است محدودیت دیگری برای انتخاب نمونه اضافه شود که این موضوع کاهش تعداد اعضای نمونه و در نتیجه کاهش تعمیم‌پذیری پژوهش را در پی خواهد داشت. افزون بر این، یافته‌های پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که بورس اوراق بهادار تهران حتی در سطح ضعیف کارا نیست (فدایی‌نژاد، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴؛ نمازی و شوشتریان، ۱۳۷۴ و نمازی، ۱۳۸۲). بنابراین، به احتمال قوی، قیمت‌ها منعکس‌کننده کلیه اطلاعات عمومی و حتی گذشته نمی‌باشد. در نتیجه، استفاده از معیار ارزش بازار به عنوان اندازه شرکت، از قابلیت اتکای کافی برخوردار نیست. استفاده از معیار فروش نیز نسبت به معیار مجموع دارایی‌ها مزیت دارد. زیرا رقم فروش نسبت به مجموع دارایی‌ها مربوطتر است و معمولاً با افزایش تورم، فروش نیز افزایش می‌یابد ولی مبلغ دارایی‌های قبلاً تحصیل شده، تغییر نمی‌کند. بنابراین، در پژوهش حاضر، از لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام برای سنجش اندازه شرکت استفاده می‌گردد.

اهرم مالی (LEV) یکی از مقیاس‌های نسبت اهرمی است. افزایش این نسبت به طور بالقوه موجب افزایش استفاده از اقلام تعهدی می‌شود (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵). همچنین افزایش اهرم مالی با کاهش میزان رفتارهای فرصت طلبانه مدیران به کاهش مدیریت سود و در نتیجه افزایش کیفیت سود منجر می‌شود (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ لذا سرمایه‌گذاران از این نسبت به عنوان عاملی برای تفسیر محافظه‌کاری شرکت استفاده می‌کنند. این نسبت از تقسیم کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها به دست می‌آید. ریسک دعوی قضایی (LIT) که متغیر شاخص برابر با یک است اگر شرکت در دعوی قضایی باشد و در غیر این صورت برابر با صفر است. براساس فرضیه هزینه‌های سیاسی واتس و زیمرمن (۱۹۸۶)، شرکت‌های بزرگ‌تر با خطر بیشتری از دعوی قضایی روبه‌رو هستند و بنابراین، افشای ریسک بالاتری انجام می‌دهند. نوسانات نرخ بازده ($STDR$) از طریق انحراف معیار بازده‌های سهام روزانه تعدیل شده بازار سنجیده می‌شود. عمر پذیرش شرکت (Age) برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی است که شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده است.

⁴ Bainbridge

⁵ Fee et al

¹ Hambrick

² Forbes & Milliken

³ March

۴- یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۲، ۳، ۴ و ۵ ارائه شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، نتایج آمار توصیفی برای شرکت‌های آینده‌نگر و تدافعی در جدول ۲ گزارش شده است. در میان متغیرها، اندازه شرکت با مقدار میانگین ۱۳/۴۹۵ و انحراف معیار ۴/۴۶۶ دارای بیشترین میانگین و انحراف معیار است. این موضوع بیان‌گر نوسانات بیشتر این متغیر در مقایسه با سایر متغیرهای پژوهش است. میانگین نرخ بازده دوازده ماهه سهام ۱۹/۱ درصد است که از میانگین به دست آمده در پژوهش لافاند و رویچودھاری (۲۰۰۸) و حسیه و همکاران (۲۰۱۸) در بورس آمریکا بیشتر است. آمار توصیفی مربوط به متغیر مجازی بازده سهام ۰/۶۰۱ است که نشان می‌دهد که خرید و نگهداری سهام تقریباً ۶۰ درصد از شرکت‌ها با بازده مثبت همراه است. ریسک دعوی قضایی ۰/۲۳۱ است که حاکی از آن است که تقریباً یک چهارم از شرکت‌ها در بورس ایران درگیر محیط دادرسی هستند. میانگین اهرم مالی بیانگر این است که به طور متوسط

۶۲ درصد از دارایی‌های شرکت‌های مورد پژوهش از محل بدهی‌ها تامین مالی شده است.

نتایج آمار توصیفی برای شرکت‌های هوشیار و راکد در جدول ۳ گزارش شده است. همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، میانگین و میانه اهرم مالی برای شرکت‌های هوشیار در مقایسه با شرکت‌های راکد، کوچکتر است. این نتیجه نشان دهنده این است که شرکت‌های هوشیار دارای بدهی‌های کمتری هستند. همچنین نتایج نشان می‌دهد شرکت‌های هوشیار به طور متوسط کوچکتر و مسن‌تر از شرکت‌های راکد هستند که نشان دهنده رشد سریع‌تر و بقای طولانی‌تر آنها است.

مقایسه نتایج بین دو گروه نشان می‌دهد مقدار میانگین و میانه متغیر نسبت سود خالص برای گروه شرکت‌های هوشیار بزرگتر است و سطح معناداری آزمون تفاضل میانگین و میانه برای دو گروه در سطح معناداری ۰/۰۵ معنادار است. این نتیجه نشان می‌دهد که شرکت‌های هوشیار در بلندمدت دارای سودآوری بیشتری هستند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در نوسانات نرخ بازده سهام بین شرکت‌های هوشیار و راکد وجود ندارد. این نتیجه، نتایج پژوهش اندرسون و همکاران^۱ (۲۰۰۹) که بیان می‌کنند نوسان نرخ بازده سهام و عدم اطمینان، مستقل از یکدیگر هستند را تایید می‌کند.

جدول ۲. آمار توصیفی برای شرکت‌های آینده‌نگر و تدافعی

متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
نمره راهبرد تجاری	SCORE	۱۶/۱۵۴	۱۵/۰۰۸	۵/۳۴۶	۳۰/۰۰۰	۶/۰۰۰
سود خالص	NI	۰/۱۲۰	۰/۱۰۵	۰/۰۸۶	۱/۵۱۴	-۰/۴۱۲
نرخ بازده دوازده ماهه سهام	RET	۰/۱۹۱	۰/۲۳۷	۰/۳۳۶	۱	۰
متغیر مجازی بازده سهام	NEG	۰/۶۰۱	۰/۵۸۴	۰/۳۹۸	۱	۰
ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	۱/۵۲۴	۱/۴۰۶	۰/۶۳۸	۲/۸۶۱	۰/۴۸۰
اهرم مالی	LEV	۰/۶۲۴	۰/۶۱۱	۰/۳۳۹	۱/۶۴۰	۰/۰۸۷
اندازه شرکت	SIZE	۱۳/۹۴۵	۱۳/۸۶۰	۴/۴۶۶	۱۹/۳۷۴	۱۰/۸۱۵
ریسک دعوی قضایی	LIT	۰/۲۳۱	۰	۰/۱۶۹	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
سن شرکت	AGE	۱/۳۲۳	۱/۲۹۴	۰/۱۰۸	۱/۶۹۵	۱/۰۰۰
نوسانات نرخ بازده سهام	STDR	۰/۰۸۲	۰/۰۷۴	۰/۰۹۲	۱/۳۰۲	-۰/۶۱۵

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۳. آمار توصیفی برای شرکت‌های هوشیار و راکد

متغیر	شرکت‌های هوشیار		شرکت‌های راکد		سطح معناداری برای آزمون تفاضل میانگین	سطح معناداری برای آزمون تفاضل میانه
	میانگین	میانه	میانگین	میانه		
سود خالص	۰/۰۸۰	۰/۰۹۴	۰/۰۲۶	۰/۰۳۱	۰/۰۱۰	۰/۰۰۷
نرخ بازده دوازده ماهه سهام	۰/۱۶۱	۰/۱۵۳	۰/۱۱۲	۰/۱۰۸	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰

^۱ Anderson

متغیر	شرکت‌های هوشیار		شرکت‌های راکد		سطح معناداری برای	سطح معناداری برای
	میانگین	میان	میانگین	میان	آزمون تفاضل میان	آزمون تفاضل میانگین
متغیر مجازی بازده سهام	۰/۵۶۱	۰/۳۸۴	۰/۴۱۹	۰/۵۱۴	۰/۰۶۴	۰/۳۰۱
ارزش بازار به ارزش دفتری	۱/۱۴۸	۱/۰۹۴	۱/۰۹۱	۰/۹۴۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۵۶۴	۰/۵۵۹	۰/۵۱۰	۰/۴۶۱	۰/۰۴۹	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۱۲/۴۳۰	۱۲/۶۴۸	۱۱/۰۸۲	۱۱/۲۶۷	۰/۰۶۰	۰/۰۴۵
ریسک دعوی قضایی	۰/۱۴۶	۰/۱۸۳	۰/۲۸۴	۰/۲۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹
سن شرکت	۱/۲۱۰	۱/۱۱۴	۱/۰۰۲	۱/۰۹۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱
نوسانات نرخ بازده سهام	۰/۰۶۰	۰/۰۸۵	۰/۱۵۹	۰/۱۶۱	۰/۲۰۴	۰/۱۴۰

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵ نتایج آمار توصیفی معیارهای پیشنهادی محافظه‌کاری برای دو گروه شرکت‌های آینده‌نگر و تدافعی را نشان می‌دهد. مقایسه نتایج بین دو گروه از شرکت‌ها نشان می‌دهد مقادیر میانگین برای گروه شرکت‌های آینده‌نگر بیشتر از مقادیر میانگین برای گروه شرکت‌های تدافعی است و سطح معناداری برای آزمون تفاضل میانگین و میان برای متغیرهای *CONSV_UACC* و *CONSV_CACC* از لحاظ آماری معنادار است؛ اما برای متغیرهای *CONSV_COEFF* و *CONSV_R2* از نظر آماری معنادار نیست. این نتایج حاکی از آن است که مقایسه‌ها نتایج بین دو گروه تا حدی از این پیش‌بینی حمایت می‌کنند که شرکت‌هایی که از استراتژی آینده‌نگر استفاده می‌کنند محافظه‌کارتر هستند.

جدول ۴ نتایج مربوط به آمار توصیفی چهار معیار محافظه‌کاری غیرشرطی برای کل نمونه پژوهش را گزارش می‌دهد. معیارهای *CONSV_UACC* و *CONSV_CACC* شامل معیارهای محافظه‌کاری غیرشرطی در سطح سال-شرکت و مبتنی بر اقلام تعهدی و معیارهای *CONSV_COEFF* و *CONSV_R2* شامل محافظه‌کاری غیرشرطی در سطح شرکت هستند. مقادیر میانگین برای معیارهای *CONSV_UACC* و *CONSV_CACC* مثبت است، این نتیجه نشان می‌دهد که شرکت‌های مورد پژوهش به طور متوسط اقلام تعهدی منفی را تشخیص می‌دهند. به طور مشابه، مقدار میانگین *CONSV_R2* برابر با ۱۶/۰۱۸ و بزرگتر از یک است، بیش از یک بودن مقدار میانگین *CONSV_R2* نشان‌دهنده این است که توان توضیحی اخبار بد برای سود، بیشتر از توان توضیحی اخبار خوب برای سود است.

جدول ۴. آمار توصیفی معیارهای پیشنهادی محافظه‌کاری

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چارک اول	میان	چارک سوم
<i>CONSV_UACC</i>	۰/۰۱۱	۰/۰۳۸	-۰/۰۱۴	۰/۰۱۰	۰/۰۴۶
<i>CONSV_CACC</i>	۰/۰۵۱	۰/۰۴۶	-۰/۰۱۲	۰/۰۶۰	۰/۰۸۲
<i>CONSV_COEFF</i>	۰/۸۴۸	۰/۵۵۲	-۱/۲۶۴	۰/۶۵۷	۲/۰۰۱
<i>CONSV_R2</i>	۱۶/۰۱۸	۳/۱۹۵	۰/۴۶۸	۵/۳۱۲	۶/۶۵۴

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵. آمار توصیفی معیارهای پیشنهادی محافظه‌کاری برای شرکت‌های آینده‌نگر و تدافعی

نوع نمونه	متغیر	شرکت‌های آینده‌نگر		شرکت‌های تدافعی		سطح معناداری برای آزمون تفاضل میان	سطح معناداری برای آزمون تفاضل میانگین
		میانگین	میان	میانگین	میان		
مشاهدات براساس سال-شرکت	<i>CONSV_UACC</i>	۰/۰۱۶	۰/۰۰۹	۰/۰۹۱	۰/۰۸۰	۰/۰۳۳	۰/۰۰۱
مشاهدات در سطح شرکت	<i>CONSV_CACC</i>	۰/۰۴۱	۰/۰۳۰	۰/۰۳۸	۰/۰۴۱	۰/۰۲۸	۰/۰۲۴
	<i>CONSV_COEFF</i>	۱/۱۲۵	۱/۰۷۱	۰/۷۱۵	۰/۹۱۳	۰/۰۶۱	۰/۰۴۸
	<i>CONSV_R2</i>	۱۸/۱۵۲	۱۹/۶۰۹	۱۶/۶۴۲	۱۵/۰۱۴	۰/۱۰۹	۰/۰۵۴

منبع: یافته‌های پژوهش

از شرکت‌های تعادلی سودآوری دارند. متغیر نمره خام راهبرد تجاری دارای ارتباط مثبت با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (*MB*) و دارای ارتباط منفی با سن شرکت (*AGE*) است. این نشان می‌دهد که شرکت‌های آینده‌نگر جوانتر هستند و سریع‌تر از شرکت‌های تعادلی رشد می‌کنند.

در ادامه نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۶ گزارش شده است. نتایج آزمون ضریب همبستگی نشان می‌دهد که متغیر نمره خام راهبرد تجاری (*SCORE*) دارای همبستگی منفی و معناداری با سودآوری (*NI*) است. این نتیجه نشان دهنده این است که شرکت‌های آینده‌نگر به طور متوسط کمتر

جدول ۶. نتایج آزمون همبستگی

متغیر	<i>SCORE</i>	<i>NI</i>	<i>RET</i>	<i>NEG</i>	<i>MB</i>	<i>LEV</i>	<i>SIZE</i>	<i>LIT</i>	<i>AGE</i>	<i>STDR</i>
<i>SCORE</i>	۱									
<i>NI</i>	-۰/۳۶*	۱								
<i>RET</i>	-۰/۲۴*	۰/۴۸*	۱							
<i>NEG</i>	۰/۰۳*	-۰/۱۳	-۰/۳۴*	۱						
<i>MB</i>	۰/۲۲*	۰/۰۸	۰/۴۶*	-۰/۷۶*	۱					
<i>LEV</i>	-۰/۱۲*	-۰/۲۷*	-۰/۶۷*	۰/۷۵*	-۰/۲۷*	۱				
<i>SIZE</i>	۰/۲۶*	-۰/۴۱*	۰/۲۸*	-۰/۰۵	۰/۲۵*	۰/۲۴*	۱			
<i>LIT</i>	۰/۴۷*	-۰/۲۰*	۰/۲۲*	۰/۱۱	۰/۰۹*	-۰/۱۲	-۰/۰۷	۱		
<i>AGE</i>	-۰/۳۴*	۰/۴۸*	-۰/۳۸*	-۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۱۰	۰/۳۱*	-۰/۰۲	۱	
<i>STDR</i>	۰/۰۹	-۰/۰۴	-۰/۰۱	۰/۰۸	-۰/۰۳	۰/۱۴**	-۰/۰۴	۰/۱۵*	-۰/۰۷	۱

*, ** به ترتیب سطح معناداری ۵ و ۱۰ درصد را نشان می‌دهد

منبع: یافته‌های پژوهش

مقدار آماره وایف بزرگتر از ۵ باشد همخطی چندگانه بالا است (هایر و همکاران، ۲۰۱۱). نتایج آزمون همخطی وایف در جدول ۷ کمتر از مقدار ۵ است که حاکی از عدم وجود همخطی بین متغیرهای توضیحی است.

در ستون اول جدول ۷ متغیر مستقل، نمره خام راهبرد تجاری (*SCORE*) است و در ستون دوم متغیر مستقل، متغیر مجازی راهبرد آینده‌نگر (*PROSPECTOR*) است. متغیر اصلی مورد نظر، اثر تعاملی بین به موقع بودن نامتقارن و راهبرد تجاری (جمله تعاملی $NEG \times RET \times STRARGY$) است. نتایج نشان می‌دهد مقادیر ضریب متغیر تعاملی $RET \times STRARGY$ در هر دو الگو به ترتیب برابر با $-۰/۰۳۶$ و $-۰/۰۴۹$ و در سطح معناداری $۰/۰۵$ معنادار است، در حالی که مقادیر ضریب متغیر تعاملی $NEG \times RET \times STRARGY$ در هر دو الگو به ترتیب برابر با $۰/۰۸۸$ و $۰/۰۷۵$ و در سطح معناداری $۰/۱۰$ معنادار هستند. مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر تعاملی $NEG \times RET \times STRARGY$ نشان‌دهنده این است که شرکت‌هایی که از استراتژی آینده‌نگر استفاده می‌کنند، در مقایسه یا شرکت‌هایی که استراتژی تدافعی را به کار می‌گیرند، دارای سطوح بالاتر محافظه کاری هستند. همچنین نتایج نشان می‌دهد ضریب متغیر

نتایج آزمون فرضیه‌ها

هدف از آزمون فرضیه اول پژوهش، مقایسه سطوح محافظه کاری حسابداری بین شرکت‌های آینده‌نگر و تدافعی در شرایط عدم‌اطمینان محیطی است برای آزمون فرضیه اول از دو الگو استفاده شده است و نتایج آن در جدول ۷ ارائه شده است. در بررسی معناداری الگوی اول و دوم با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۶ مقدار احتمال آماره *F* برای هر دو الگو در سطح معناداری از $۰/۰۵$ کوچک‌تر است که با اطمینان $۰/۹۵$ معنادار بودن هر دو الگو تأیید می‌شود. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برای هر دو الگو به ترتیب برابر با $۰/۴۶۰$ و $۰/۴۱۳$ است که نشان می‌دهد متغیرهای توضیحی در هر یک الگوها به ترتیب ۴۶ و ۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. همان طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود در ستون‌های انتهایی نتایج آزمون همخطی وایف^۱ گزارش شده است. شاخص تورم واریانس بالای ۱۰ نشان دهنده وضعیت همخطی بحرانی و مقدار نزدیک به ۱ نشان دهنده وضعیت مطلوب است. حد قابل قبول شاخص وایف کمتر عدد ۵ است. اگر آماره آزمون همخطی وایف به عدد یک نزدیک بود نشان دهنده عدم وجود همخطی است. به عنوان یک قاعده تجربی اگر

^۱ Variance Inflation Factor (VIF)

تعاملی $NEG \times RET \times STRATEGY$ پس از کنترل ریسک دارد که عدم اطمینان و ریسک دارای پیامدهای متمایزی برای $(STDR)$ مثبت و معنادار باقی می ماند. این نتیجه دلالت بر این گزارشگری مالی هستند.

جدول ۷. نتایج راهبرد تجاری و محافظه کاری غیرشرطی: مدل به موقع بودن نامتقارن

STRATEGY = PROSPECTOR				STRATEGY = SCORE				متغیر
آماره وابف	مقدار احتمال	آماره t	ضریب	آماره وابف	مقدار احتمال	آماره t	ضریب	
۴/۵۰۴	۰/۰۰۱	-۳/۲۶۵	-۰/۰۵۲	۳/۱۴۷	۰/۱۲۰	۱/۵۵۷	۰/۴۲۱	STRATEGY
۴/۳۵۳	۰/۴۶۳	۰/۷۳۲	-۰/۰۵۵	۴/۲۷۱	۰/۰۰۰	۴/۱۸۱	۰/۰۳۶	NEG
۴/۷۶۵	۰/۰۱۳	-۲/۴۸۰	-۰/۰۳۲	۲/۳۱۷	۰/۰۰۵	-۲/۸۱۰	-۰/۱۰۹	RET
۲/۲۵۰	۰/۰۳۱	۲/۱۵۱	-۰/۰۵۸	۳/۴۷۸	۰/۰۸۷	۱/۱۷۱	۰/۱۱۲	NEG × STRATEGY
۳/۵۴۹	۰/۰۰۰	-۵/۷۲۴	-۰/۰۴۹	۳/۲۱۲	۰/۰۰۰	-۴/۱۸۱	-۰/۰۲۶	RET × STRATEGY
۴/۹۳۳	۰/۰۷۲	۱/۸۱۱	-۰/۰۷۵	۴/۲۰۳	۰/۰۵۳	۱/۹۲۳	۰/۰۸۸	NEG × RET × STRATEGY
۴/۲۷۸	۰/۰۷۰	۱/۸۱۰	-۰/۰۴۴	۴/۸۴۹	۰/۰۰۱	۳/۲۴۰	۰/۹۵۸	MB
۳/۴۶۲	۰/۰۲۲	-۲/۲۹۳	-۰/۲۳۵	۳/۹۸۴	۰/۰۱۲	۲/۴۹۶	-۰/۱۵۲	LEV
۲/۰۹۹	۰/۱۹۴	۱/۲۹۶	۰/۶۱۱	۳/۱۳۹	۰/۱۹۹	۱/۲۸۳	۰/۵۹۷	SIZE
۴/۱۷۱	۰/۰۲۷	۲/۲۱۵	-۰/۱۶۳	۳/۸۲۰	۰/۰۰۱	-۳/۲۷۰	-۰/۵۱۷	LIT
۴/۵۹۸	۰/۵۳۰	۰/۶۲۸	-۰/۰۸۶	۴/۲۸۴	۰/۴۱۸	۰/۸۰۹	۰/۴۴۳	AGE
۴/۲۲۹	۰/۰۱۰	۲/۵۷۴	-۰/۲۹۰	۴/۳۸۹	۰/۰۰۱	-۳/۱۹۸	-۰/۰۱۵	STDR
۲/۰۴۶	۰/۰۰۰	-۴/۳۰۴	-۰/۳۳۷	۳/۴۱۴	۰/۱۹۰	-۱/۳۱۰	-۰/۰۹۴	NEG × RET × MB
۳/۳۵۸	۰/۲۷۲	۱/۰۹۸	-۰/۱۱۲	۲/۴۶۱	۰/۰۷۱	۱/۸۰۷	۰/۰۵۳	NEG × RET × LEV
۳/۴۰۴	۰/۰۲۸	-۲/۱۹۱	-۰/۹۴۱	۳/۵۲۲	۰/۰۰۰	-۴/۷۶۲	-۰/۰۶۳	NEG × RET × SIZE
۲/۲۴۵	۰/۰۰۰	۵/۷۷۴	-۰/۷۳۴	۱/۹۴۰	۰/۴۱۸	۰/۸۱۰	۰/۰۰۶	NEG × RET × LIT
۳/۴۴۶	۰/۰۰۰	۳/۸۳۳	-۰/۰۴۶	۲/۶۹۳	۰/۰۰۰	-۳/۹۹۰	-۰/۲۰۳	NEG × RET × AGE
۲/۸۹۵	۰/۰۰۰	۶/۱۰۲	-۰/۲۴۹	۲/۲۱۰	۰/۰۰۰	۴/۳۷	۰/۴۰۵	NEG × RET × STDR
-	۰/۰۰۰	۴/۲۹	۰/۱۱	-	۰/۰۰۰	۹/۹۴۵	۰/۲۴۶	β_0
کنترل شد				کنترل شد				Year fixed effect
کنترل شد				کنترل شد				Industry fixed effect
۳/۰۶۰* (۰/۰۰۰)				۱/۴۲۸* (۰/۰۰۶)				آماره F لیمر (مقدار احتمال)
۱۸/۳۶۲* (۰/۰۰۰)				۲۱/۹۵۸* (۰/۰۰۵)				آماره هاسمن (مقدار احتمال)
پانل اثرات ثابت				پانل اثرات ثابت				نوع مدل
۱۸۲/۳۱۸* (۰/۰۰۰)				۲۰۳/۶۲۴* (۰/۰۰۰)				آماره ناهمسانی والد تعدیل شده (مقدار احتمال)
۴/۹۲۳ (۰/۴۶۵)				۳/۷۱۵ (۰/۵۳۶)				آزمون خود همبستگی ولدریج (مقدار احتمال)
مقدار احتمال	آماره F	ضریب تعیین	مقدار احتمال	آماره F	ضریب تعیین	آماره	مقدار آماره	
۰/۰۰۰	۲/۳۱۷	۰/۴۱۳	۰/۰۰۰	۲/۹۹۶	۰/۴۶۰			

منبع: یافته‌های پژوهش

وابسته، بر مبنای معیارهای سال-شرکت و مبتنی بر اقلام تعهدی هستند (معیارهای، $CONSV_UACC$ و $CONSV_CACC$)، ضرایب متغیر نمره راهبرد تجاری حداقل در سطح معناداری ۰/۱۰ از نظر آماری معنادار هستند (به ترتیب در دو الگوی اول، مقدار ضریب متغیر $CONSV_UACC$ و $CONSV_CACC$ برابر با ۰/۰۴۵ و ۰/۰۶۵ و آماره z برابر با ۴/۶۱۳ و ۱/۹۳۲). همچنین نتایج نشان می‌دهد هنگامی که راهبرد تجاری بر روی معیارهای محافظه‌کاری حسابداری در سطح-شرکت، یعنی $CONSV_COEFF$ و $CONSV_R2$ ، برآورد می‌شود، نتایج معنادار نیستند (مقدار ضریب متغیر $CONSV_COEFF$ و $CONSV_R2$ به ترتیب در دو الگوی اول، برابر با ۰/۵۹۱ و ۰/۸۱۲ و آماره z برابر با ۱/۱۶۶ و ۱/۴۴۱). یکی از توضیحات ممکن برای این نتیجه این است که از آنجایی که این معیارها در سطح شرکت هستند، در رگرسیون سال-شرکت تغییر نمی‌کنند. فرض ضمنی برای این دو معیار این است که سطح محافظه‌کاری در طول زمان برای شرکت ثابت باقی می‌ماند.

در این بخش با استفاده از مدل (۲) فرضیه اول پژوهش مجدد آزمون می‌شود. نتایج مدل (۲) در جدول ۸ گزارش شده است. در این بخش برای آزمون فرضیه اول از چهار الگو استفاده شده است و نتایج آن در جدول ۷ ارائه شده است، بدین ترتیب که در ستون اول و دوم متغیر وابسته محافظه‌کاری شامل معیارهای محافظه‌کاری غیرشرطی در سطح سال-شرکت و مبتنی بر اقلام تعهدی و در ستون سوم و چهارم شامل معیارهای محافظه‌کاری غیرشرطی در سطح شرکت است. در بررسی معناداری هر الگو احتمال آماره F در سطح معناداری از ۰/۰۵ کوچک‌تر است که با اطمینان ۹۵٪ معنادار بودن تمام الگوها تایید می‌شود. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برای هر الگو به ترتیب برابر با ۰/۲۴۰؛ ۰/۲۳۲؛ ۰/۱۳۵ و ۰/۱۸۲ است.

نتایج ارائه شده در جدول ۸ به طور جزئی فرضیه اول پژوهش را که بیان می‌کند شرکت‌های آینده‌نگر، سطوح بیشتری از محافظه‌کاری حسابداری در مقایسه با شرکت‌های تدافعی دارند را تایید می‌کند. بر مبنای نتایج هنگامی که متغیرهای

جدول ۸. نتایج راهبرد تجاری بر معیارهای پیشنهادی محافظه‌کاری

مدل	متغیر وابسته = معیارهای سال - شرکت		متغیر وابسته = معیارهای در سطح شرکت	
	مدل (۱.۲)	مدل (۲.۲)	مدل (۳.۲)	مدل (۴.۲)
متغیر	$CONSV_UACC$	$CONSV_CACC$	$CONS_COEFF$	$CONS_R2$
نمره راهبرد تجاری	۰/۰۴۵* (۴/۶۱۳)	۰/۰۶۵** (۱/۹۳۲)	۰/۵۹۱ (۱/۱۶۶)	۰/۸۱۲ (۱/۴۴۱)
شرکت‌های آینده‌نگر	۰/۰۰۸* (۲/۰۶۰)	۰/۱۶۵* (۳/۴۰۲)	۰/۱۲۸ (۱/۵۶۸)	۰/۳۵۲** (۱/۸۳۵)
اندازه	-۰/۱۶۹* (۲/۳۹۲)	-۰/۵۷۳** (۱/۷۱۶)	-۰/۴۳۹* (۲/۰۹۹)	۰/۰۳۱ (۰/۲۲۴)
اهرم مالی	۰/۱۷۲* (۴/۹۵۷)	۰/۷۸۸* (۳/۴۲۱)	۰/۱۵۴** (۱/۷۳۶)	۰/۲۴۰* (۴/۲۹۱)
ریسک دعوی قضایی	۰/۷۰۸ (۱/۳۱۳)	۰/۲۲۶* (۲/۳۹۸)	۰/۰۹۴* (۲/۵۲۵)	۰/۰۷۱** (۱/۶۶۲)
سن شرکت	۱/۰۶۶* (۶/۶۹۲)	۰/۴۵۵ (۱/۴۱۰)	۰/۰۶۵* (۳/۵۱۸)	۰/۱۷۲* (۳/۹۴۳)
نوسانات نرخ بازده سهام	۰/۸۸۲* (۳/۴۲۲)	۰/۸۹۳* (۷/۴۱۰)	۱/۳۰۱* (۲/۰۹۴)	۱/۰۰۲** (۱/۷۰۱)
ضریب ثابت	۰/۰۷۷* (۲/۳۸۵)	۰/۵۸۵* (۲/۵۸۱)	۰/۲۹۱* (۴/۸۴۸)	۰/۰۴۱* (۴/۶۲۹)
اثرات ثابت سال	کنترل شد	کنترل شد	کنترل شد	کنترل شد
اثرات ثابت صنعت	کنترل شد	کنترل شد	کنترل شد	کنترل شد
آماره F لیمر	۱/۶۰۸* (۲/۴۲۴)	۱/۵۵۷ (۰/۴۱۳)	۲/۴۴۰* (۴/۴۲۶)	۲/۷۹۱* (۳/۶۵۲)

مدل	متغیر وابسته = معیارهای سال - شرکت		متغیر وابسته = معیارهای در سطح شرکت	
	مدل (۱.۲)	مدل (۲.۲)	مدل (۳.۲)	مدل (۴.۲)
آماره هاسمن	۱۵/۰۱۱*	-	۲۰/۵۵۴*	۱۲/۶۵۷*
	(۲/۶۴۳)		(۲/۱۸۴)	(۲/۴۶۳)
نوع مدل	پانل اثرات ثابت	تلفیقی	پانل اثرات ثابت	پانل اثرات ثابت
آماره ناهمسانی والد تعدیل شده	۹۲/۶۲۹*	۸۴/۰۸۱*	۶۴/۱۹۶*	۱۰۱/۰۴۷*
	(۲/۵۵۵)	(۳/۲۱۵)	(۴/۰۴۲)	(۳/۳۲۳)
آماره خود همبستگی ولد ریچ	۲/۸۵۲	۳/۱۵۳	۲/۶۵۱	۶/۴۳۱
	(۰/۳۲۱)	(۳۰/۶۴۳)	(۰/۸۹۱)	(۰/۲۷۰)
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۴۰	۰/۲۳۲	۰/۱۳۵	۰/۱۸۲
آماره F	۲/۹۸۷	۲/۷۵۵	۱/۶۹۵	۱/۸۶۳
مقدار احتمال	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

*, ** به ترتیب سطح معناداری ۵ و ۱۰ درصد را نشان می‌دهد

منبع: یافته‌های پژوهش

هدف از آزمون فرضیه دوم مقایسه سطوح محافظه‌کاری حسابداری بین شرکت‌های هوشیار و راکد در شرایط عدم اطمینان محیطی است که نتایج آن در جدول ۹ ارائه شده است. در بررسی معناداری مدل دوم پژوهش احتمال آماره F در سطح معناداری از ۰/۰۵ کوچک‌تر است که با اطمینان ۹۵٪ معنادار بودن مدل تایید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۳۲۴ است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی مدل حدود ۳۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

همانند آزمون مدل (۱) برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس، تعدیلات ناهمگنی واریانس انجام شده و بر اساس روش خوشه‌بندی خطاهای استاندارد، خوشه‌بندی در کلیه مدل‌های رگرسیونی بر اساس شرکت و سال اجرا شده است. همچنین همانند پژوهش لافوند و رویچودوری (۲۰۰۸) و رامالینگودا و یو (۲۰۱۲) همه متغیرها به جز $ALERT$ ، NI ، RET ، NEG و LIT در دهک‌هایی بین صفر و یک رتبه‌بندی شده‌اند. متغیر مستقل اصلی مورد نظر در این بخش متغیر اثرات تعاملی

هدف از آزمون فرضیه دوم مقایسه سطوح محافظه‌کاری حسابداری بین شرکت‌های هوشیار و راکد در شرایط عدم اطمینان محیطی است که نتایج آن در جدول ۹ ارائه شده است. در بررسی معناداری مدل دوم پژوهش احتمال آماره F در سطح معناداری از ۰/۰۵ کوچک‌تر است که با اطمینان ۹۵٪ معنادار بودن مدل تایید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۳۲۴ است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی مدل حدود ۳۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

همانند آزمون مدل (۱) برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس، تعدیلات ناهمگنی واریانس انجام شده و بر اساس روش خوشه‌بندی خطاهای استاندارد، خوشه‌بندی در کلیه مدل‌های رگرسیونی بر اساس شرکت و سال اجرا شده است. همچنین همانند پژوهش لافوند و رویچودوری (۲۰۰۸) و رامالینگودا و یو (۲۰۱۲) همه متغیرها به جز $ALERT$ ، NI ، RET ، NEG و LIT در دهک‌هایی بین صفر و یک رتبه‌بندی شده‌اند. متغیر مستقل اصلی مورد نظر در این بخش متغیر اثرات تعاملی

جدول ۹. نتایج محافظه‌کاری و هوشیاری: مدل به موقع بودن نامتقارن

مقدار احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیر
۰/۰۷۳	-۱/۷۹۳	۰/۰۲۳	-۰/۰۴۱	NEG
۰/۰۰۰	۵۹/۱۴۲	۰/۰۱۵	۰/۹۲۳	ALERT
۰/۰۰۰	۸/۲۸۱	۰/۰۳۸	۰/۰۷۷	RET
۰/۰۵۹	۱/۸۸۵	۰/۱۱۴	۰/۲۱۵	NEG × ALERT
۰/۰۱۱	۲/۵۴۰	۰/۰۳۷	۰/۰۴۹	RET × ALERT
۰/۰۱۱	-۲/۵۲۹	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۸	NEG × RET × ALERT

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال
MB	۰/۲۰۳	۰/۰۷۰	۲/۸۶۸	۰/۰۰۴
LEV	-۰/۳۲۸	۰/۱۲۰	-۲/۷۲۵	۰/۰۰۶
SIZE	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۱/۹۷۱	۰/۰۴۹
LIT	-۰/۷۶۲	۰/۰۶۳	-۱۲/۰۳۲	۰/۰۰۰
AGE	-۰/۳۲۳	۰/۱۰۷	-۳/۰۰۱	۰/۰۰۲
STDR	-۰/۰۲۳	۰/۰۲۰	-۱/۶۰۳	۰/۱۰۹
NEG × RET × MB	-۰/۲۳۵	۰/۱۰۲	-۲/۲۹۳	۰/۰۲۲
NEG × RET × LEV	۰/۰۴۹	۰/۰۳۷	۲/۵۴۰	۰/۰۱۱
NEG × RET × SIZE	-۰/۱۲۶	۰/۲۰۸	-۰/۶۰۷	۰/۵۳۴
NEG × RET × LIT	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۳۷۲	۰/۷۰۹
NEG × RET × AGE	-۰/۰۵۰	۰/۰۱۵	-۳/۳۱۵	۰/۰۰۰
NEG × RET × STDR	۰/۰۴۴	۰/۰۲۴۳	۱/۸۱۰	۰/۰۷۰
β_0	۰/۳۸۷	۰/۱۲۲	۳/۱۶۳	۰/۰۰۱
کنترل شد				Year fixed effect
کنترل شد				Industry fixed effect
آماره F لیمر	مقدار احتمال	آماره هاسمن	مقدار احتمال	نوع الگو
۲/۳۶۴	۰/۰۰۰	۸/۹۴۰	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
آزمون خود همبستگی ولدریج	مقدار احتمال	آماره ناهمسانی والد تعدیل شده	مقدار احتمال	
۵/۴۲۰	۰/۳۷۴	۸۱/۶۶۲	۰/۰۰۰	
آماره	ضریب تعیین	ضریب تعیین	آماره F	مقدار احتمال
مقدار آماره	۰/۳۲۴	۰/۳۹۶	۳/۳۵۲	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۵- نتیجه‌گیری

پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که پژوهش در حوزه عدم‌اطمینان اغلب بینش‌های سودمندی را ارائه می‌دهد که استخراج آنها از چارچوب مطلوبیت استاندارد مورد انتظار با ریسک دشوار است. بنابراین، اعتقاد بر این است که توسعه معیارهای تجربی قابل اعتماد از عدم‌اطمینان در سطح شرکت که برای دوره‌های نسبتاً طولانی غالب است، مهم است؛ لذا یکی از اهداف پژوهش حاضر برداشتن گام در این مسیر بوده است. اگرچه معیارهای تجربی مورد استفاده اجازه به دست آوردن نتایج قطعی را فراهم نمی‌سازند؛ اما نتایج نشان می‌دهند که نظریه تصمیم‌گیری تحت شرایط عدم‌اطمینان، روابط بین ویژگی‌های اطلاعات حسابداری و اصول شرکت را روشن می‌سازد. به ویژه، در مقایسه با نظریه مالک و نماینده که بر روی قرارداد بین طرف‌های شناخته شده (معمولاً مدیران و تأمین‌کنندگان سرمایه) تمرکز دارد، تصمیم‌گیری تحت عدم‌اطمینان بر تهدیدهای ناشناخته تأکید دارد و به همین دلیل، مجموعه نسبتاً متفاوتی از بینش‌ها و راه‌حل‌ها را ارائه می‌دهد.

قوانین تصمیم‌گیری محتاطانه که توجه بیشتر به نتایج بد، در مقایسه به نتایج خوب را می‌طلبند و بنابراین، احتمال شکست مصیبت‌بار را کاهش می‌دهند، به عنوان راه‌حلی به کار می‌روند که به طور گسترده از زمان‌های قدیم مورد استفاده قرار گرفته است. از این منظر، سوگیری محافظه‌کارانه در گزارشگری مالی به عنوان روشی برای نیرومندتر ساختن قوانین تصمیم‌گیری نسبت به خطاهای ناشی از منابع مختلف در نظر گرفته می‌شود، صرف نظر از اینکه این سوگیری‌ها، اقدامات مخالفان استراتژیک ناشناخته یا تعصبات شناختی خود تصمیم‌گیرندگان باشند. این تبیین نظری تصمیم‌گیری، از منطق سنتی محافظه‌کاری به عنوان واکنشی محتاطانه به عدم‌اطمینان، حمایت می‌کند. از این‌رو، هدف اصلی این پژوهش بررسی محافظه‌کاری غیرشرطی، راهبردهای تجاری آینده‌نگر و تدافعی و عدم‌اطمینان محیطی با تأکید بر مدل به موقع بودن نامتقارن است. بدین منظور، نمونه‌ای متشکل از ۱۶۱۰ سال-شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۴۰۱ با استفاده از خوشه‌بندی خطای استاندارد بررسی شده است.

استفاده شده، اما در این پژوهش از مدل نامتقارن استفاده شده است.

به طور کلی، نتایج این پژوهش هم در تحقیق و هم در عمل مناسب و مرتبط است. در رابطه با عمل، تبیین نظری تصمیم‌گیری از محافظه‌کاری، استدلال متقابلی برای تصمیم‌های اخیر تهیه‌کنندگان استاندارد برای حذف محافظه‌کاری از چارچوب مفهومی ارائه می‌دهد. اگرچه همه شرکت‌های تجاری با عدم‌اطمینان مواجه هستند؛ اما سطح آن مختص شرکت است. هنگامی که این سطح نسبتاً بالا باشد، تصمیم‌گیرندگان، تصمیمات بهتری را در صورت محافظه‌کارانه بودن گزارشگری مالی، در مقایسه با بی‌طرفانه بودن آن خواهند گرفت (اگرچه اولویت‌های آنها برای سطوح محافظه‌کاری ممکن است متفاوت باشد). این بیانیه که اطلاعات باید بی‌طرفانه باشد را تنها می‌توان بر اساس زمینه‌های نظری برای شرکت‌هایی که با سطوح نسبتاً پایین عدم‌اطمینان مواجه می‌شوند، یعنی شرکت‌های فعال در محیط‌های پایدار و قابل پیش‌بینی، توجیه کرد. شواهد به دست آمده تا این تاریخ نشان می‌دهند که بررسی بینش‌های به دست آمده برای چنین شرکت‌هایی در مدل‌های با ریسک برای محیط‌های با عدم‌اطمینان می‌تواند منجر به نتایج غیر قابل قبولی شود.

با توجه به نتایج به مدیران شرکت‌های دارای راهبرد تجاری آینده‌نگر و تدافعی توصیه می‌شود که سعی کنند بیش از پیش راهبردهای گزارشگری مالی را با راهبردهای تجاری خود همسو و هم‌جهت کنند و از سیستم گزارشگری مالی به عنوان وسیله‌ای جهت نیل به اهداف شرکت استفاده کنند. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش به تحلیل‌گران و استفاده‌کنندگان از اطلاعات شرکت‌های بورسی توصیه می‌شود توجه بیشتری به رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و راهبرد تجاری آینده‌نگر و تدافعی داشته باشند. به مدیران شرکت‌های سهامی که از محافظه‌کاری بالایی برخوردار هستند توصیه می‌شود در راستای تولیدات خود به راهبرد آینده‌نگر توجه بیشتری نمایند تا بتوانند معاملات را افزایش داد. به سرمایه‌گذاران توصیه می‌گردد در تصمیم‌گیری‌ها به ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و راهبردهای تجاری توجه داشته باشند تا بتوانند به سودآوری مناسبی دست یابند. همچنین پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران در انتخاب سهام برای خرید و سرمایه‌گذاری نوع راهبرد تجاری شرکت را نظر بگیرند تا بتوانند در سرمایه‌گذاری بازده بیشتری کسب کنند. به سایر پژوهشگران توصیه می‌شود تأثیر راهبردهای تجاری آینده‌نگر و تدافعی بر ریسک‌پذیری مدیران را مورد

یافته‌های پژوهش در رابطه با فرضیه اول، مقایسه سطوح محافظه‌کاری حسابداری بین شرکت‌های آینده‌نگر و تدافعی در شرایط عدم‌اطمینان محیطی نشان داد، که شرکت‌هایی که از استراتژی آینده‌نگر استفاده می‌کنند، در مقایسه با شرکت‌هایی که استراتژی تدافعی را به کار می‌گیرند، دارای سطوح بالاتر محافظه‌کاری هستند همچنین نتایج نشان داد هنگامی که راهبرد تجاری بر روی معیارهای محافظه‌کاری حسابداری در سطح سال-شرکت و مبتنی بر اقلام تعهدی برآورد شود، نتایج معنادار هستند؛ اما هنگامی که راهبرد تجاری بر روی معیارهای محافظه‌کاری حسابداری در سطح-شرکت برآورد می‌شود، نتایج معنادار نیستند.

نتایج پژوهش در ارتباط با فرضیه دوم، مقایسه سطوح محافظه‌کاری حسابداری بین شرکت‌های هوشیار و راکد در شرایط عدم‌اطمینان محیطی نشان داد، شرکت‌های راکد که با سطوح بالاتری از عدم‌اطمینان مواجه هستند، سطوح بیشتری از محافظه‌کاری را در مقایسه با شرکت‌های هوشیار دارند. در حقیقت نتایج فرضیه دوم پژوهش نشان می‌دهد که نظریه تصمیم‌گیری تحت شرایط عدم‌اطمینان، بینش‌هایی را ارائه می‌دهد که مرتبط با حسابداری است. اول این که از آنجایی که تحت شرایط عدم‌اطمینان، آزمون‌های آماری نمی‌توانند به‌طور قابل اعتمادی درست یا نادرست بودن باورهای یک تصمیم‌گیرنده را تعیین کنند، تصمیم‌گیرندگان می‌توانند به‌طور صادقانه‌ای حتی در غیاب تضاد منافع با هم مخالفت کنند. دوم، مدل‌های دارای عدم‌اطمینان به توضیح چندین پدیده تجربی مرتبط با حسابداری کمک می‌کنند. به عنوان مثال، «منطقه رکود»^۱ که تحت شرایط عدم‌اطمینان ظاهر می‌شود، توضیح منطقی ساده‌ای از انحراف پس از اعلام سود و سایر شکل‌های واکنش کمتر از حد سرمایه‌گذاران به اخبار سود را فراهم می‌سازد. در نهایت، تا زمانی که شرکت با عدم‌اطمینان مواجه می‌شود، آینده آن غیر قابل پیش‌بینی است. از آنجایی که کیفیت سود اغلب به عنوان توانایی سود در پیش‌بینی عملکرد عملیاتی آتی تعریف می‌شود، قابلیت پیش‌بینی بالاتر ممکن است در واقع دلالت بر کیفیت پایین‌تر سود داشته باشد.

یافته‌های آزمون فرضیه اول با نتایج پژوهش احمد و دولمن (۲۰۱۳) همسو است. نتایج آزمون فرضیه دوم با نتایج پژوهش نورالحق و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد. با این تفاوت که پژوهش آنها برای مقایسه سطوح محافظه‌کاری حسابداری بین شرکت‌های آینده‌نگر و تدافعی از استراتژی مایلز و اسنو (۱۹۷۸)

^۱ zone of inaction

تهران، پنجمین کنفرانس بین‌المللی علوم مدیریت و حسابداری، تهران، موسسه آموزشی عالی مهر ارونند و مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.

منصوری محمدآبادی، فاطمه؛ رضایی، مهدی. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری با استراتژی کسب و کار و ابهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، ۳۷، ۱۹۱-۲۱۴.

مهربان پور، محمدرضا؛ فرزانه، مینا. (۱۳۹۵). محافظه کاری مشروط و غیرمشروط و ریسک قیمت سهام. دوماهنامه مدیریت، ۲۷(۱۸۷)، ۵۹-

- Ahmed, A. S., & Duellman, S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51(1), 1-30.
- Baker, S. R., Bloom, N., & Davis, S. J. (2016). Measuring economic policy uncertainty. *Quarterly Journal of Economics*, 131(4), 1593-1636.
- Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 24(1), 3-37.
- Bentley, K. A., Omer, T. C., & Sharp, N. Y. (2013). Business strategy, financial reporting irregularities, and audit effort. *Contemporary Accounting Research*, 30(2), 780-817.
- Beaver, William H., & Stephen G. Ryan, (2000). Biases and Lags in Book Value and Their Effects on the Ability of the Book-to-Market Ratio to Predict Book Return on Equity. *Journal of Accounting Research*, 38(1), 127-148.
- Bloom, N. (2009). The impact of uncertainty shocks. *Econometrica*, 77(3), 623-685.
- Bloom, N., Bond, S., & Van Reenen, J. (2007). Uncertainty and investment dynamics. *The Review of Economic Studies*, 74(2), 391-415.
- Bourgeois, L. J. (1985). Strategic goals, perceived uncertainty, and economic performance in volatile environments. *Academy of Management Journal*, 28(3), 548-573.
- Boyd, B. K., & Fulk, J. (1996). Executive scanning and perceived uncertainty: A multidimensional model. *Journal of Management*, 22(1), 1-21.
- Brynjolfsson, E., & Milgrom, P. (2013). Complementarity in organizations. In R. Gibbons, & J. Roberts (Eds.), *The handbook of organizational economics* (pp. 11-55). Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Daft, R. L., Sormunen, J., & Parks, D. (1988). Chief executive scanning, environmental characteristics, and company performance: An empirical study. *Strategic Management Journal*, 9(2), 123-139.
- Day, D. S., & Schoemaker, P. (2004). Peripheral vision: Sensing and acting on weak signals. *Long Range Planning*, 37, 117-121.
- Downey, H. K., Hellriegel, D., & Slocum, J. W. (1975). Environmental uncertainty: The

بررسی قرار دهند. همچنین توصیه می‌شود تأثیر محافظه کاری شرطی، راهبردهای تجاری آینده‌نگر و تدافعی بر نوسان ویژگی‌های مالی شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دهند.

در ارتباط با محدودیت‌های پژوهش، مؤسسه‌های مالی، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها به دلیل ماهیت متفاوت فعالیت جزء نمونه آماری پژوهش نیستند؛ بنابراین در تعمیم نتایج حاصل از پژوهش به کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باید با احتیاط عمل شود. در این پژوهش اثرات ناشی از عوامل کلان بر راهبردهای تجاری و عملکرد مالی شرکت‌ها مؤثرند که می‌تواند بر نتایج اثرگذار باشد؛ اما اثرات ناشی از این عوامل در پژوهش در نظر گرفته نشده‌اند.

فهرست منابع

- بهرادفر، علی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه استراتژی‌های تجاری بر محافظه کاری و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم انسانی. <https://www.sid.ir/paper/825674/fa>
- تنانی، محسن؛ محب‌خواه، محمد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین استراتژی کسب و کار با کیفیت سود و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴(۳)، ۱۰۵-۱۲۷.
- حقیقت شهرستانی، مهدی؛ دستگیر، محسن؛ سروش یار، افسانه. (۱۴۰۱). تأثیر محافظه کاری شرطی و غیرشرطی بر سطح سرمایه‌گذاری آتی و ارزش سهام. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۴(۵۳)، ۱-۳۰.
- حیدریو، فرزانه؛ جهانشاد، آریتا؛ مددی، نجمه. (۱۳۹۴). تأثیر محافظه کاری شرطی و محافظه کاری غیرشرطی بر ریسک‌پذیری مدیران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- فروغی، داریوش؛ نخبه فلاح، زهرا. (۱۳۹۳). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه کاری شرطی و غیرشرطی. نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۶(۱)، ۲۷-۴۴.
- معروفی، مریم. (۱۳۹۸). بررسی رابطه محافظه کاری حسابداری و ریسک ورشکستگی در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری، اقتصاد و بانکداری در هزاره سوم، تهران، شرکت همایش آروین البرز،
- ملک پور، فاطمه و سعید جبارزاده. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر محافظه کاری حسابداری بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

- March, J. G. (1991). Exploration and exploitation in organizational learning. *Organization Science*, 2(1), 71-87.
- Miles, R. E., & Snow, C. C. (2003). *Organizational strategy, structure, and process*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Miller, K. D. (1993). Industry and country effects on managers' perceptions of environmental uncertainties. *Journal of International Business Studies*, 24(4), 93-714.
- Miller, D., & Friesen, P. H. (1982). Innovation in conservative and entrepreneurial firms: Two models of strategic momentum. *Strategic Management Journal*, 3(1), 1-25.
- Nurul Houqe, M., Kerr, M., & Monem, M. (2017). *Business Strategy and Earnings Quality*. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2198626>.
- Simons, R. (1987). Accounting control systems and business strategy: An empirical analysis. *Accounting, Organizations and Society*, 12(4), 357-374.
- Vander Bauwhede, H. (2007). *The Impact of Conservatism on the Cost of Debt: Conditional Versus Unconditional Conservatism*, Leuven: Katholieke Universiteit Leuven. working paper
- Wald, A. (1945). Statistical decision functions which minimise the maximum risk. *Annals of Mathematics*, 46(2), 265-280.
- Watts, R. L. (2003). Conservatism in accounting Part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons*, 17(3), 207-221.
- Weick, K. E. (1979). *The social psychology of organizing*. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Williams, C. D. (2015). Asymmetric response to earnings news: A case for ambiguity. *The Accounting Review*, 9(2), 785-817.
- Elenkov, D. S. (1997). Strategic uncertainty and environmental scanning: The case for institutional influences on scanning behavior. *Strategic Management Journal*, 18(4), 287-302.
- Financial Accounting Standards Board. (2005). Board meeting handout: Conceptual framework. Norwalk, CT. Available at: www.fasb.org/06-22-05.pdf.
- Financial Accounting Standards Board. (2008). Statement of financial accounting concepts No. 2, as amended. Norwalk, CT: FASB.
- Frederickson, J. W., & Mitchell, T. R. (1984). Strategic decision process: Comprehensiveness and performance in an industry with an unstable environment. *Academy of Management Journal*, 27(2), 399-423.
- Givoly, D., & Hayn, C. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative? *Journal of Accounting and Economics*, 29(3), 287-320.
- Hambrick, D. C. (1982). Environmental scanning and organizational strategy. *Strategic Management Journal*, 3(2), 159-174.
- Heinsalu, S. (2012). Equivalence of the information structure with unawareness to the logic of awareness. *Journal of Economic Theory*, 147(6), 2453-2468.
- Hirschman, A. O. (1969). *Exit, voice, and loyalty: Responses to decline in firms, organizations, and states*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Hsieh, C. C., Ma, Z., Novoselov, K. E. (2018). Accounting conservatism, business strategy, and ambiguity. *Accounting, Organizations and Society*, 74, 41-55.
- Ishida, Souhei & Ito, K. (2014). The Effect of Accounting Conservatism on Corporate Investment Behavior, *International Perspectives on Accounting and Corporate Behavior*, 127, 59-80
- Ittner, C. D., Larcker, D. F., & Rajan, M. V. (1997). The choice of performance measures in annual bonus contracts. *The Accounting Review*, 72(2), 231-255.
- Julio, B., & Yook, Y. (2012). Political uncertainty and corporate investment cycles. *The Journal of Finance*, 67(1), 45-83.
- Kirzner, I. M. (1997). Entrepreneurial discovery and the competitive market process: An Austrian approach. *Journal of Economic Literature*, 35(1), 60-85.
- Knight, F. H. (1921). *Risk, uncertainty and profit*. New York, NY: Houghton Mifflin.
- Levinthal, D. A. (1997). Adaptation on rugged landscapes. *Management Science*, 43(7), 934-950.
- Lorenzi, P., Sims, H. P., & Slocum, J. W. (1981). Perceived environmental uncertainty: An individual or environmental attribute? *Journal of Management*, 7(2), 27-41.
- Maccheroni, F., Marinacci, M., & Ruffino, D. (2013). Alpha as ambiguity: Robust mean-variance portfolio analysis. *Econometrica*, 81(3), 1075-1113.



Accounting Knowledge & Management Auditing
Vol. 16/ No. 62/ Summer 2027

Accounting conservatism, forward-looking and defensive business strategies, and environmental uncertainty with an emphasis on the asymmetric timeliness model

Sedighe Azizi

Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Baft Branch, Baft, Iran.
sa_azizi@iaubaft.ac.ir

Soheila Askari Hassan Abadi

Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Darab Branch, Darab, Iran.
soheila.askari87@gmail.com

Abstract

Decision analysis shows that decision rules that perform well under conditions of environmental uncertainty give more weight to negative outcomes than to positive outcomes. In other words, these rules show a conservative approach and tend to take potential risks seriously. Accounting conservatism makes bad news that is more important in the context of prudent decision rules timelier reflected, and this helps corporate managers and investors to better implement prudent decision rules. Therefore, the main goal of this research is to investigate accounting conservatism, forward-looking and defensive business strategies, and environmental uncertainty with an emphasis on the asymmetric timeliness model. For this purpose, a sample consisting of 1610 companies admitted to the Tehran Stock Exchange during the years 2009-2022 has been investigated using standard error clustering. In order to model environmental uncertainty at the company level, two different criteria have been used. The results of the research showed that forward-looking companies that face higher levels of environmental uncertainty have higher levels of accounting conservatism than defensive companies. Also, the results of the research showed that stagnant companies, which face higher levels of environmental uncertainty, have higher levels of accounting conservatism compared to alert companies.

Key words: Accounting Conservatism, Business Strategies, Environmental Uncertainty

